

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۹  
شنبه ۲ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با  
۱۵ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵ ریال

رفیق نورالدین کیانوری:

## ما به آقای بنی صدر، که اینقدر از «آزادی» سخن می گویند، برای چندمین بار پیشنهاد میکنیم که با ما به مناظره بنشینند!

چگونه به در گفته میشود، تا دیوار بشنود!  
برای قضاوت در باره انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، دست به دامان روزنامه های پولواری پاریس نشوید!  
واقعیات نشان داده است که حزب توده ایران، هم علم دارد و هم اخلاق!  
شبهات میان حرفهای آقای بنی صدر و «رنجبر» تاسف آور و تمعّب انگیز است!

چگونه به در گفته میشود، تا دیوار بشنود!  
برای قضاوت در باره انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، دست به دامان روزنامه های پولواری پاریس نشوید!  
واقعیات نشان داده است که حزب توده ایران، هم علم دارد و هم اخلاق!  
شبهات میان حرفهای آقای بنی صدر و «رنجبر» تاسف آور و تمعّب انگیز است!

صفحه ۴

## با تحریکات امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش در مدارس، باید برخورد منطقی داشت

تفاهات در مدارس بین محصلین و بین کادرهای مدارس هر دو میتواند باعث نارضایتی عمومی گردد.  
بسدنابل این دستورالعمل جاسوسان امریکائی برای خربزه زدن به انقلاب ایران عوامل هوادار رژیم گذشته، گسروهکسبی مائوئیستی-آمریکائی و لیبرالها، آگاهانه و برخیها مانند هواداران «سازمان مجاهدین خلق ایران» ناآگاهانه لحظه ای مدارس را آرام نگذاشته اند.

پرو خط امام! انشاء شده است، پنجو بازی نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده اش، مدارس را بعنوان یکی از پایگاههای تشنج و آشوب انتخاب کرده اند، باین حساب که چون اکثریت مطلق خانواده های ایرانی، یکدیگر کوکود دانش آموز دارند، نابسامانی وضع مدارس می تواند نارضایتی را بخانواده ها تسری دهد و از طریق بستگان دانش آموز، این نارضایتی به سراسر جامعه اشاعه یابد.

وضع مدارس در سال جاری نشان میدهد که دستهایی در کارند، تا مدارس را به آشوب و هرج و مرج بکشانند و زمینه های تعطیل مدارس، کشاندن کودکان و نوجوانان بخیابانها و گسترش نارضایتی در میان خانواده ها را فراهم سازند. تعطیل مدارس توطئه یلید امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن است، که تاکنون با رهنمودهای بموقع امام خمینی و هشیاری اکثریت اولیاء و مربیان دانش آموزان مدارس عقیم مانده است.

معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش آقای ایرج شگرف نفعی، ضمن مصاحبه خود با خبرنگار روزنامه اطلاعات، درباره برخی مسائل آموزشی و پرورشی و از جمله درگیری در مدارس، مطالبی بیان داشته است. آقای شگرف نفعی در این زمینه گفته است: «دانش آموز انقلابی ما باید بداند که آزادی با هرج و مرج تفاوت بسیار دارد.» این گفته ای است بیجا و منطقی.

فرزندان خانواده های طاغوتی و ساراکیها در مدارس شمال شهر جاسوسی گفته میشود؛  
بقیه در صفحه ۴

## بانمایند شاه ملعون همزبان نشوید!

احمد بنی احمد، نماینده مجلس رستخیزی شاه ملعون، که در پاریس به همراه دیگر ضدانقلابیون با تمام قوا در تلاش سرتکونی جمهوری اسلامی ایران و روی کار آوردن یک رژیم مورد نظر آمریکاست و ادعا میکند که: «همزبانان ترک وی در استان آذربایجان مجاور مرز ترکیه، قادرند ناحیه ای از میانه تا رضایه را ظرف ۵ روز از تهران جدا کرده و یک «حکومت آزاد ایران» تشکیل دهند» (اطلاعات، ۲۷ بهمن ۵۹)

از جمله گفته است: «راديو تلویزیون، برنامه ریزی، طرح بودجه و دیگر ارگانهای حیاتی مملکت در دست مقامات حزب توده است.» (همانجا)

وی افزوده است: «طراح سیاستهای کشور، حزب توده است.» (همانجا) بنی احمد، همچنین در مصاحبه خود از آقای بنی صدر پشتیبانی کرده و گفته است:

«روحانیون باید بنبغ پرزیدنت بنی صدر از صحنه سیاست کناره گیری کنند و در غیر اینصورت کشور ایران با خطر مضاعف تسلط گمبولیسم و کودتائی از نوع «پینوشه» روبرو می گردد.» (همانجا)

«رژیم تهران (منظور بنی احمد، امام خمینی است) از حمایت ۴۰ الی ۴۵ درصد از مردم ایران برخوردار است و باقی ایرانیان از بنی صدر تبعیت می کنند.» (همانجا) «مردم ایران از بنی صدر حمایت میکنند، چرا که وی تنها پناه قانونی برای آنان است و وجود وی جهت اولین مرحله انتقال به یک حکومت جدید دموکراتیک ضروری است. بنبغ روحانیون است که بجای تولید در دسر بنبغ بنی صدر کنار بروند.» (همانجا)

از احمد بنی احمد، خائنی که هنوز خواب دوران شاهنشاهی را می بیند و برای بازگرداندن سیطره اربابان امپریالیستی حتی از تلاش برای تجزیه ایران ابا ندارد و سخنانش در خط ریگان است، جز این انتظار فرمود که سخنان ارباب ریگان را درباره «خطر توده ایها» تکرار کند.

ولی آیا گفته های احمد بنی احمد هشدار نیست بپه کسانی که ناآگاهانه از خطر توده ایها صحبت میکنند؟ آیا باز هم باید با این ضدانقلابیهای فراری و اربابشان ریگان، همزبان شد؟

## نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست

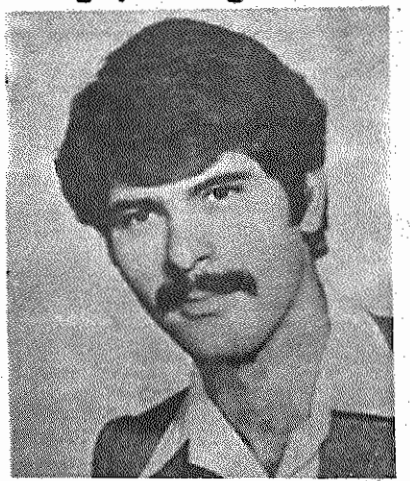
میان نهاد، این سر آغاز راهی بود که او را بسوی خورشید برد.  
رفیق مالک با نام حزب توده ایران از ۱۵ سالگی آشنا شد و گذشت زمان و تجربه زندگی و مبارزه، او را کام بکام به صحت راه حزب توده ها رهنمون گشت. «نویید» او را به مرزهای تازه ای برد و رفیق مالک، پس از مدت کوتاهی مطالعه این شب نامه انقلابی، که در سیاهی خفتان، نور آگاهی و امید مبارزه می دید، آنرا به دیگران نیز میرسانید.

در اوایل سال ۵۶، رفیق مالک دیگر یک توده ای بود و با تمام قوا نظریات حزب خود را به میان توده ها، که خود با آنان پیوند و رابطه گسترده داشت و در میان آنان از محبوبیت و احترام فراوانی برخوردار بود، می برد. او در سال ۵۷ به پختی «نویید» در مقیاس وسیع، در محله های کارگری شرق تهران، کمک میکرد.  
کل انقلاب که شکفت، رفیق مالک، مانند همیشه در میان مردم بود. به زخمیها بقیه در صفحه ۴

«... رفیق و توی گروه بسج اسم نوشته ام و قرار است که ما را بفرستند به جبهه برای دفاع از کشور و خوشحالم از اینکه می توانم سهمی هم در دفاع از انقلاب داشته باشم.» و کشور ایران داشته باشم. و تنها خواهشی که دارم پدر، اینست که بعد از مرگ من، برای من عزای نگیرید و خوشحال باشید که فرزندت با افتخار در راه دفاع از انقلاب و کشورش شهید شده است.»

رفیق مالک الهی، در یک خانواده کارگری، در سال ۱۳۳۶ متولد شد و از همان اوان کودکی با سایه فقر آشنا شد. رفیق مالک بدلیل مشکلات مالی، که گریبانگیر خانواده زحمتکش او بود، تحصیل را نیمه تمام گذارد و در جستجوی کار و نان، شهرها و روستاهای کشور را زیر پا نهاد و با واقعیت دردناک زندگی مردم، از نزدیک آشنا شد و در کوره رنج و زحمت آنها گداخت. جستجوی علل این زندگی غیرانسانی، رفیق مالک را به فکر واداشت و پرسشهای خود را با برادرش یک توده ای - در

## رفیق مالک الهی کارگری از تبار کار و زحمت، که به قافله شهدای توده ای پیوست



## بر خورد خصمانه با حزب توده ایران بسود انقلاب نیست

ندهند» (جمهوری اسلامی، ۳۰ بهمن ۵۹) خشم و کین و بیدادانی و بی-انصافی نهفته در این جملات علیه حزب توده ایران، شکفت آور و تاسف انگیز است. اگر این اظهارات از قلم و زبان نیروها و عناصر نیرو خط امپریالیسم جاری میشد - همانگونه که روز و شب و در مطبوعات و سخنرانی های آنان جاری میشود - جای شکستی بقیه در صفحه ۴

در قلمنامه قرائت شده در اجتماع مردم تبریز، که بمناسبت سومین سالروز قیام دلیرانه ۲۹ بهمن مردم این شهر علیه چنانیکاران آریامبری گرد آمده بودند، از جمله آمده است: «ما از وزیر کشور میخواهیم که با قاطعیت بیشتر با گروهک های وابسته عمل نماید و آنها را بخصوص حزب توده... را منحل اعلام داشته و یش از این فرصت توطئه باین ناسوگران

میلیتری، یک سنگر تیربار ضد هوایی و یک سنگر اجتماعی دشمن در غرب رود کارون منهدم و ۳۸ تن از نیروهای صدامی کشته و زخمی شدند. همین گزارش حاکیست نیمه شب ۲۹

پارس حاکمیت که بر اثر آتش رزمندگان انقلاب در جبهه شرقی خونین شهر، مواضع دشمن در جبهه غربی این شهر مورد حمله قرار گرفت و در نتیجه ۲ خوددروی زیل، ۳ سنگر خمپاره انداز ۶۰

رزمندگان دلوار انقلاب در ادامه نبرد عادلانه خود با تجاوزگران صدامی در تمام جبهه ها، توانستند طی دو روز گذشته ضربات شدیدی بر قوای خصم وارد آورند. گزارش خبرگزاری

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### توطئه سرمایه‌داران ایرانی مقیم کویت علیه انقلاب ایران

سرمایه‌داران ایرانی مقیم کویت، فعالیت‌های خود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در این کشور افزایش داده‌اند. براساس اطلاعات رسیده، این افراد به کمک مدنی، اویسی و آریانا، که به کویت آمده‌اند، با جمع کردن ضدانقلابیون فراری، ارتش به اصطلاح آزادی-بخش تشکیل داده‌اند. این سرمایه‌داران با پخش عکس‌های گوناگون و متنوع پس شاه‌ملعون بین کارگران و تبلیغات مسموم، سعی دارند کارگران ایرانی را تحت تأثیر قرار دهند. گفته می‌شود که این ضد-انقلابیون با ضدانقلابیون مصر هم در ارتباط هستند. رادیو تلویزیون کویت اعلام کرده است که ایرانیان داوطلب می‌توانند برای گذراندن دوره چریکی با دریافت ماهی ۶ هزار تومان به مصر بروند. سرمایه‌داران برای هر چه

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

- رامک از انزلی ۵۰۰ ریال
- م. الف. ف از تهران ۵۰۰۰۰ ریال
- خدیجه خانم ۳۰۰۰ ریال
- هومن از تهران ۳۵۰ ریال
- م. خ از سقز ۴۰۰۰ ریال
- هومن از تهران ۳۵۰۰ ریال
- کاظم. ر ۱۰۰۰ ریال
- عده‌ای از هواداران حزب ۲۱۰۰ ریال
- الف. قوچانی ۵۰۰۰ ریال
- جمع‌آوری در سهمانی دوستانه دانشجویان علوم اجتماعی ۴۳۵۰ ریال
- الف. مقدم ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ش. ی از تهران پارس یک قطعه سکه طلا ربعی
- گروه آژدر ۱۴۰۰۰ ریال
- حسن از قم ۱۰۰۰ ریال
- م از قم ۲۰۰۰ ریال
- پ از قم ۲۰۰۰ ریال
- مهندس از بابل ۱۰۰۰ ریال
- ب. راننده از تهران ۵۰۰ ریال
- ه. ک از قم ۱۰۰۰ ریال
- کوکب آرائی ۱۰۰۰۰ ریال
- مادری از خرم‌آباد یک گردنبند طلا
- خانم خانه‌دار از انزلی ۱۰۰۰ ریال

### نه، این قافله را ...

پیه از صفحه ۹

کمک میکرد، در تظاهرات شرکت نمیکرد، علیه جلادان سنگر میساخت و در کوره انقلاب می‌گداخت و چون پولاد آبدیده میشد، جز سراسر روز ۲۱ بهمن ۵۷، رفیق مالک، پیراه دیگر توده‌ای‌ها و توده‌ها، در جنگ علیه نظامیان سرکویگر گارد شرکت کرد و به محل آموزشهای هوایی در تهران تو حمله برد. شب انقلاب در سنگر، به هنگام نگیبانی، به رفیق توده‌ایش گفت:

«روز بروز به درستی نظریات حزب بیشتر بی‌بهره بود. چقدر بدست آوردن سلاح آسان میشود وقتی که توده‌ها با به میدان می‌گذارند. این واقعا درست است که انقلاب کار توده‌هاست، نه کار گروه کوچکی از روشنفکران»

خصلت عمیقاً توده‌ای رفیق مالک پیوندی عمیق میان او و مردم محله‌اش برقرار کرده بود. او غمخوار مردم و مورد احترام عمیق آنها بود. رفیق مالک در زمستان ۵۷، که اغتصاب کارگران نفت گلوی رژیم را می‌فشارد، از سازماندهندگان پخش نفت در محله و مدافع و موجد نظم انقلابی جدید بود. او همه‌جا منادی وحدت، عشق به مردم زحمتکش و نفرت از مستکبران و غارتگران بود.



فشتگ هم خالی نمی‌گنم.» اما هنگامیکه رژیم جنایتکار صدام حسین به ایران حمله کرد، رفیق مالک، به پیروی از فراخوان حزبی و برای دفاع از انقلابی که با تمام نیرو در به‌ثمر رسیدن آن شرکت کرده بود، داوطلبانه به بسیج پیوست تا به جبهه اعزام شود. جای او، مثل همه توده‌ایها، در صف مقدم جبهه بود. رفیق مالک ابتدا به بسیج تهران مراجعه کرد، اما برای شرکتش در بسیج مشکلاتی فراهم کردند. او سپس به بوشهر رفت و در بسیج برای دفاع از انقلابش ثبت نام کرد. چگونه می‌توان یک توده‌ای را از دفاع از شرف و حیثیت سرزمین و استقلال و آزادی وطنش محروم کرد؟ رفیق مالک الهی در جبهه با شجاعت، از خودگذشتگی و با روحیه‌ای مبارزه-



پس از انقلاب نیز رفیق مالک، که رسماً به حزبی پیوسته بود، با مبارزات انقلابی مردم در دفاع از انقلاب و تعمیق آن، فعالانه همراه گشت. در محله، که همگان رفیق مالک را بعنوان یک توده‌ای و یک افسان شرافتمند و مبارز و مردم‌دوست می‌شناختند، هر کس که با انقلاب و با رهبر انقلاب همراه بود، او را دوست میداشت و هر کس که علیه انقلاب قرار داشت، رفیق مالک را دشمن میدانست. این عجیب نبود. خلوص و صمیمیت رفیق مالک الهی، چون دیگر توده‌ایها، در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی، مردم را، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، در تجربه‌شان به دوستی و نزدیکی با او رهنمون میشد.

هنگامیکه لانه جاسوسی آمریکا تمسخر شد، رفیق مالک در محله خود به روشنگری و دفاع از این عمل انقلابی پرداخت. در دوران طاغوت، رفیق مالک به خدمت سرپازی نرفت. او می‌گفت: «اگر یکروز قرار شود مرا بخدمت ببرند، آنروز حتماً انگشت سیبای دست راستم را قطع میکنم. من برای حفظ نظام این سنگ زنجیری آمریکا، حتی یک جوانه به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل تجاوزگران صدامی پرداخت. چهره همیشه خندان و روحیه امیدوار او در اردوگاه از عوامل بالابردن روحیه دیگری مبارزان بود.

رفیق مالک الهی بدلیل شجاعت و تحرك و همچنین استعداد سازماندهی، به زودی در جبهه بعنوان سرگروه عملیات ضربتی، مسئولیت یک گروه از افراد را بر عهده گرفت. رفیق مالک چند روز قبل از شهادتش، در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۵۹، در یک عملیات ضربتی، یکمک دو تن از افراد تحت فرماندهی، یک معاون تیپ عراقی و یک سرباز را اسیر کرد، سه تن از تجاوزگران را به هلاکت رسانید و چندین قبضه سلاح و سایر وسائل جنگی به غنیمت آورد. سرانجام روز ۲۷ دی ماه ۵۹ فراسید. خیر شهادت و زخمی شدن گروهی از رزمندگان به اردوگاه میرسد. رفیق مالک اصرار می‌کند که برای آوردن پیکرهای گلگون شهدا و یا نجات دادن زخمیهای احتمالی، عازم منطقه شوند. رفیق مالک به همراه دو داوطلب دیگر، ۴ جسد را از کتاف جنایتکاران صدامی بیرون می‌آورند، ولی در همین هنگام گلوله‌ای به سر رفیق اصابت میکند و او ۶ ساعت بعد در بیمارستان

### پیه از صفحه ۹

و تاسف نداشت، زیرا روش طبیعی کسانی که برای سازش با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و اعاده دوران خیانت و غارت و جنایت پیشین تلاش می‌کنند، علیه حزب توده ایران، که ۴۰ سال است علیه تلاشهای امپریالیستی و وابستگی داخلی آنها می‌رزمند، جز این نبوده و نخواهد بود. اما اگر تنظیم کنندگان قطعنامه خود مسلمانان مبارزی باشند که به پیروی از خط سازش‌ناپذیر امام خمینی در مقابل نقشه‌های شیطان و خائنه امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش ایستاده‌اند و در راه استقلال و آزادی ایران و بسود منافع مردم رنجیده و مستضعف گام بر میدارند، باید گفت که این برخورد نه تنها طبیعی و منطقی نیست، بلکه شگفت‌آور و اسفبار است، بیعدالتی و بی-انصافی است.

شگفت‌آور است، زیرا این اظهارات دو سال پس از پیروزی انقلاب مطرح میشود، و اگر در بدو پیروزی، وجود ۳۷ سال تبلیغات ساواک و سیا و رژیم مغفور پهلوی، می‌توانست توجیه کننده سوءتفاهات و بدبینی‌های مسلمانان مبارز نسبت به حزب توده ایران باشد، اکنون و پس

### در نبردهای ...

های دشمن که در ناحیه نبرد واقع شده بودند و همچنین یک سنگر اجتماعی دشمن نابود شدند. **گیلانغرب: پیشرو رزمندگان انقلاب** بر طبق گزارش دیگر خبرنگار خبرگزاری پارس از جبهه گیلانغرب، در یکی از محورهای خوددوری متجاوزین برائت بر خورد با مین منهدم شد. طبق گفته فرماندهان عملیات گیلان-غرب، در این جبهه پیشرفتهای قابل توجهی صورت گرفته است. در ۲ روز گذشته در اثر نبرد بی‌امان رزمندگان انقلاب، حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از تجاوزگران صدامی کشته شدند و ۲ دستگاه تفنگ ۱۰۶ میلیتری آنان منهدم شد. فرمانده عملیاتی گیلانغرب درباره نبرد ۳ روز گذشته گفت: طی این مدت در یکی از مواضع استراتژیک دشمن، ۱۶ سنگر نیروهای دشمن به تصرف ما درآمده است.

### پیه از صفحه ۹

موسنگرد به شهادت می‌رسد. همراه وسائل رفیق، که به خانواده‌اش تحویل میدهند، شماره ۴۱۵ نامه «مردم» نیز بچشم می‌خورد. خیر شهادت رفیق مالک الهی در میان مردم محله‌اش در عین آنکه گردی از غم و ماتم پاشید، عزم و اراده آنها را برای مقابله با دشمنان انقلاب استوارتر کرد. مردم برای بدرقه دوست شهیدشان مراسم پرشکوهی برپا کردند و پیکر گلگون رفیق مالک بر دستان پینه‌بسته زحمتکشانی که دوشادوش آنها برای پیروزی انقلاب جنگیده بود، در سرمای زمستان ۵۷، نفت به خانه‌هاشان برده بود، درد دل‌های آنها را با جانس شنیده بود و غمخوار آنها بود، پس از طواف در دانشگاه، پس از مراسم نماز جمعه، بسوی بهشت‌زها روان شد. آنها شمار میدادند: مالک پیر ماست، خمینی رهبر ماست، آمریکا دشمن ماست. در این مراسم، رفیق کیومرث زوشناس، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز حضور داشت. در مراسم بخاک سپردن رفیق شهید، برادرش طی سخنانی از جمله گفت: «آمریکا باید بداند که امروز خلق ما متحد و یکپارچه تحت رهبری امام خمینی تصمیم دارد تا آخرین نفس از استقلال، آزادی و شرف و حیثیت خود، از جمهوری اسلامی نوپای خود دفاع کند.» پدر رنجیده و داغدار رفیق شهید نیز در میان جمعیت گفت: «مالک مال من نبود، مال همه بود. ما خیلی از این جوانها در سنگرها داریم و آمریکا و دیگران باید بدانند که ما تا آخرین نفس و قطره خون، بفرمان امام خمینی از این سپه دفاع می‌کنیم... این بزرگترین افتخار برای یک پدر است که چنین فرزندی داشته باشد...» رفیق شهید توده‌ای، مالک الهی، کارگر شرکت آسانسور سازی ایران شیندل، در نامه‌ای از بوشهر، به پدرش نوشته بود: «رفیق! و توی گروه بسیج اسم نوشته‌ام و قرار است که ما را بفرستند به جبهه برای دفاع از کشور و خوشحال از اینکه می‌توانم سهمی هم در دفاع از انقلاب داشته‌ام - و کشور ایران داشته باشم و تنها خواهی که دارم پدر، اینست که بعد از مرگ من برای من عزای نگیرید و خوشحال باشید که فرزندت با افتخار در راه دفاع از انقلاب و کشورش شهید شده است.» رفیق شهید مالک الهی، فرزند زحمتکشی از تبار کار و زحمت بود که از میان مردم برخاست، با آنها علیه جابران و غارتگران رژیم و سرانجام خون‌پاک خود را نثار نهال انقلاب بزرگ مردم کرد. این راه و رسم همه توده‌ای‌هاست.

### پیه از صفحه ۹

تاسف نداشت، زیرا روش طبیعی کسانی که برای سازش با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و اعاده دوران خیانت و غارت و جنایت پیشین تلاش می‌کنند، علیه حزب توده ایران، که ۴۰ سال است علیه تلاشهای امپریالیستی و وابستگی داخلی آنها می‌رزمند، جز این نبوده و نخواهد بود. اما اگر تنظیم کنندگان قطعنامه خود مسلمانان مبارزی باشند که به پیروی از خط سازش‌ناپذیر امام خمینی در مقابل نقشه‌های شیطان و خائنه امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش ایستاده‌اند و در راه استقلال و آزادی ایران و بسود منافع مردم رنجیده و مستضعف گام بر میدارند، باید گفت که این برخورد نه تنها طبیعی و منطقی نیست، بلکه شگفت‌آور و اسفبار است، بیعدالتی و بی-انصافی است. شگفت‌آور است، زیرا این اظهارات دو سال پس از پیروزی انقلاب مطرح میشود، و اگر در بدو پیروزی، وجود ۳۷ سال تبلیغات ساواک و سیا و رژیم مغفور پهلوی، می‌توانست توجیه کننده سوءتفاهات و بدبینی‌های مسلمانان مبارز نسبت به حزب توده ایران باشد، اکنون و پس



# مابه آقای بنی صدر، که اینقدر از «آزادی» سخن میگویند، برای چندمین بار پیشنهاد میکنیم که با ما مناظره بنشینند!

از  
پیشانی  
و  
پای  
۱۳۵۹  
کیانوری

به خاطر آن میلیاردهایی بود که رژیم شاه به آنها می بخشید و حالا که این حاتم بخشی ها تمام شده است، می روند جای دیگر. بنابراین در اینجا هم پیش بینی ما درست درآمد. در عوض، کسانی که مدت ها برای "حفظ استقلال ایران" به "جهان یی دیگر چشم دوخته بودند، مورد استیضاح قرار گرفتند. خوب، ما به اینها این حق را می دهیم که هفت، هشت، ده تا فحش آبدار دیگر هم نثار خود، وظیفه اش میکنند، اما این دشنام گویی هر قدر هم که از تریبون بالا و ظاهراً مقتدرانه بعمل آید، از موضع ضعف و در واقع اذعان به شکست نظرات نادرستی است، که مدت ها از آن دفاع می شده است.

باین ترتیب، ما معتقدیم راهی را که در پیش گرفته ایم، به هیچ وجه راه تقویت استبداد، زورگویی و قانون شکنی نیست. تمام مبارزات ما و بیانات ما چنین ادعایی را نمی کند. راهی که ما در پیش گرفته ایم، دو سرمنزل دارد: کسب استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی از امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا و تامین خواست های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محرومان جامعه ما از راه غلبه بر سلطه بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران.

این دو سرمنزلی است که ما چهل سال است، برای رسیدن به آن مبارزه میکنیم و بیست سال پیش از آن هم نخستین کمونیست های ایرانی در راه آن مبارزه میکردند. ما این مبارزه را ادامه خواهیم داد و هر برجسی هم به ما زده شود، بالاخره به خود برجس زندگان برمیگردد. آنهایی که از "خیانت" ما درسی سال پیش صحبت میکنند، مثل اینکه همین ملاقات یکسال پیش با برژینسکی یادشان رفته است! مگر آقای ریگان اعلام نکرده است که امپریالیسم آمریکا در ایران "منافع" حیاتی دارد و برای حفظ این منافع حیاتی خواهان روی کار آمدن دولتی "میانرو" است؟ مگر همین "میانروها" نبودند که با آقای برژینسکی به صحبت نشستند؟ مگر دولتی که پس از ۲۸ مرداد به روی کار آمد، وظیفه اش تامین "منافع" حیاتی امپریالیسم آمریکا نبود؟ مگر از نظر ماهوی فرق میکند که این دولت یکتاج الماسی سرش باشد، یا ریش داشته باشد و تسبیحی به دست؟

آنهایی که ما را به مخالفت با آزادی و کوشش برای استقرار استبداد متهم می کنند، نمی بینند که انحصار طلبان راست حاکمیت کنونی در روزنامه های خود شدیدترین حملات را به ما میکنند، کتاب های ما را میوزانند و دفاتر ما را غارت می کنند؟ در حالیکه ما با بسیاری از آنها در مسائل مربوط به مبارزه علیه امپریالیسم، کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی اختلاف جدی نداریم. اما همانطور که بارها گفته ایم، چون معیار اساسی ما مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری و فئودالیسم است، مبارزه با این افرایز را هم تابع مبارزه اصلی خود میدانیم و بنوبه خود به فحاشی دست نمی زنیم.

در روزها و هفته های آینده شما در روزنامه و نشریات حزب به جنبه های نادرستی، که آقای بنی صدر در صحبت های دیروز خود به حزب توده ایران و تاریخ جنبش هواداران سوسیالیسم علمی نسبت داده است خواهیم پرداخت البته همانطور که گفتیم، بخلاف آقای رئیس جمهور، امکانات ما در این زمینه محدود است و رادیو و تلویزیون در اختیار ما نیست.

چیزی که باعث تأسف ما است، طبعی است که آقای بنی صدر در آن قرار گرفته است: لیبرال ها، ملت مسلمانی ها، سرمایه داران بازار، مائوئیست های آمریکایی، "رنجبر" ها، کاشی آقای بنی صدر، بجای آنکه در این طیف مخالف ستمگرایی اساسی انقلاب شکوهند ایران قرار بگیرد، در چارچوب تامین آزادی واقعی برای محرومان جامعه قرار میگرفت در آن صورت، هم موفقیت او به مراتب بیشتر می بود و هم میتوانست قدم های اساسی تری در راه تثبیت و گسترش انقلاب بردارد.

البته ممکن است که در شرایط بسیار نامساعد ستمگری اساسی انقلاب مسخ شود و ایران راهی را مانند پرتغال طی کند. چنانکه دیدیم در این کشور راستگرایان گام به گام انقلاب این کشور را به شکست کشاندند. اما آنچه مسلم است، در تاریخ پرتغال از اینان جز نامی ننگین باقی نخواهد ماند. مسلمانسانی که در ایران هم میخواهند چنین راهی را بروند، نصیبانی نباشد از این نخواهد بود.

تاریخ آینده ایران نشان خواهد داد که اظهارات و ارزیابی های دیروز آقای بنی صدر کاملاً نادرست بوده است. من در اینجا فقط گفته معروف فیدل کاسترو را پس از نخستین سفرش به اتحاد شوروی در مینینگ بزرگی در هاوانا یادآور میشوم. فیدل کاسترو خطاب به مائوئیست ها و سایر خائنین به طیف کارگر، که هر چه از دستشان برمی آید به اتحاد شوروی اتمام میزند گفت که تاریخ از هر دروغی نیرومندتر است. او یادآور شد که هیچ کس به اندازه فاشیست های آلمانی دربار کمونیست ها و اتحاد شوروی دروغ خلق و پخش نکرد. نازی ها در این زمینه رکورد جهانی را شکستند. اما تاریخ بالاخره بر همه این دروغ ها غلبه کرد و امروز در همان برلین، یعنی مرکز سابق دروغ سازی فاشیست ها، پرچم نخستین کشور سوسیالیستی آلمان در اهتزاز است.

در روم باستانی هم مدت ها اسپارتاکوس را به عنوان یک باغی جنایتکار معرفی میکردند، ولی تاریخ به تدریج تمام آن لجنی را که طبقات حاکم روی نبرد تاریخی بردگان روم ریخته بودند، پاک کرد و چهره واقعی اسپارتاکوس را به عنوان قهرمانی بزرگ ثبت کرد. عین این جریان در مورد انقلاب کبیر فرانسه تکرار شد.

در این زمینه ایران هم به هیچ وجه استثنایی نیست. شاه و ساواک سی سال روی حزب توده ایران لجن پاشیدند. ملی گرایان آمریکازده و سازشکار هم این حرف های لجن را بخاطر پوشاندن جنایات آمریکا تکرار کردند و میکنند. اما حالایی بنیم که واقعیات یواش یواش از زمین جوانه می زنند و رشد میکنند. تاریخ بالاخره ماهیت دروغ ها و افتراهای محافل هستیم و به همین جهت در قبال برخوردهای امثال آقای بنی صدر خونسردی خود را حفظ خواهیم کرد. این چیزی است قانونمندان. در مورد آقای قطب زاده هم، وقتی نقش سیاست زیان بخش نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فاش شد، دیگر ترمز از دهان و زبانش برداشته شد و هر چه فقط شایسته خود او و هممالکی هایش بود، در باره حزب توده ایران به زبان آورد. البته ما در فحاشی اصلاً به پای امثال آقای قطب زاده نمی رسیم. آنها در این زمینه استاد هستند و ما شاگردانی بسیاری استعداد این را باید اعتراف کنیم. اما آنهایی که چنین به ما دشنام میدهند، خود شایسته این دشنام ها هستند. بقول معروف، از کوزه همان برون تراود که در اوست.

ما در عین آنکه به آینده جنبش انقلابی ایران کاملاً خوشبین هستیم، منکر خطرهای سهمگینی برای انقلاب ایران نیستیم. اما، ما به سهم خود خواهیم کوشید که ضد انقلاب را چه بصورت خزنده و چه به شکل برنده در هم شکنیم. امید ما اینست که دیگر نیروهای انقلابی نیز چنین کنند. باید از دستاوردهای انقلاب در برابر توطئه های جبهه براندازی که "رنجبر" اجزاء آنرا خوب تشریح کرده است، با دل و جان دفاع برخاست و این دسیسه ها را با شکست و ناگامی روبرو ساخت.

چه شباهتی بین محتوی مقالات این روزنامه و مضمون حرف های آقای بنی صدر دیده می شود! در هر دو از خطر وابستگی به "روس" (مقصود اتحاد شوروی است)، تجزیه کشور، "مستبدین حاکم وابسته به برادری روس"، "خطر حزب توده"، "بحران اقتصادی" و "ضرورت استقامت و مقاومت" صحبت می کنند. جل الخالق!

آقای بنی صدر "دلسوزانه" از ما می پرسد: شما که سی سال در مهاجرت بوده اید و همیشه توری خورده اید از آزادی چه عیبی دیده اید، که حال مخالف آن هستید؟! این دیگر واقعا "شاهکار" است که حزب توده ایران را متهم به مخالفت با آزادی بکنند. اینجا فقط می توان خندید! آقای بنی صدر، حزب توده ایران در حالیکه تقریباً از دوران تاسیس خود هیچگاه از آزادی برخوردار نبوده است، چهل سال است که برای آزادی مبارزه می کند، آنهم نه برای خود، بلکه برای محرومان جامعه ما. آن هم نه فقط در حرف، بلکه در مبارزات فداکارانه و جاننازانه. آن وقت شما به ما اتهام می زنید که می خواهیم از طریق مخالفان شما استبداد برقرار کنیم؟ در این زمینه، یکی از طرفداران مجاهدین خلق به ما نامه ای نوشته و از ما ایراد گرفته است که چرا سازمان مجاهدین خلق را این روزها مورد انتقاد شدید قرار داده ایم؟ وی استدلال می کند که اگر این سازمان و سازمان های مشابه در هم شکسته شوند، اولین سازمانی که غیرقانونی اعلام خواهد شد، حزب توده ایران خواهد بود. کاری به این نداریم که آیا توجیه این هواداران سازمان مجاهدین خلق درست است، اما در این گفته واقعیتی است که حزب توده ایران همیشه اولین طعمه امپریالیسم و استبداد بوده است و خواهد بود. این اتهام که حزب توده ایران مخالف با آزادی است، با از روی بدخواهی

است. و یا جهل مطلق.

ما این پیش بینی را کرده ایم که در شرایط مشخص اجتماعی ممکنست همین نیروهای، که ما از آن ها پشتیبانی می کنیم و اینک با آن ها علیه امپریالیسم مبارزه مشترک داریم، در صورت تفوق جناح های انحصار طلب، برخی محدودیت ها را نیز برای آزادی های دموکراتیک بوجود آورند.

در اینجا می شود به نمونه های اسرائیل و یونان از یک طرف و الجزایر و لیبی از طرف دیگر اشاره کرد. در یونان ظواهر دموکراسی بورژوازی تا حدی رعایت می شود، ولی رژیم این کشور از نظر سیاسی-اجتماعی وابسته به امپریالیسم است. در اسرائیل، حزب کمونیست آزاد است و حتی در پارلمان هم نماینده دارد، ولی حکومت این کشور، حکومتی جاپروفاشیستی است، نه تنها برای یهودی های اسرائیل، بلکه برای شماره های عظیم از خلق عرب، که اکنون زیر سلطه این رژیم قرار گرفته اند. از سوی دیگر در الجزایر و لیبی با آن که یک سلسله محدودیت ها در زمینه آزادی های دموکراتیک وجود دارد، ولی موضع گیری دولت های این دو کشور ضد امپریالیستی است. برای ما هم مبارزه علیه امپریالیسم است، که اولویت دارد. با اینکه ما در درجه اول علیه امپریالیسم آمریکا در مبارزه هستیم، امپریالیست ها از نظر ماهوی برایمان فرقی ندارند. حال چه امپریالیسم فرانسه باشد، چه ژاپن، چه انگلستان و فرقی در آلمان غربی -

زمانی مائوئیست ها، "سه جهانی ها" و "انقلاب اسلامی"، که می دیدند امپریالیسم آمریکا خیلی مفتضح شده است، خیلی سنگ تحکیم مناسبات ما را با اروپای غربی و ژاپن به سینه می زدند. افشاگرهای اخیر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نشان داد که اتفاقاً این خواست آمریکا بود که حالا که آمریکا نمی توانست بطور رسمی از "دولت موقت" پشتیبانی کند، دولت دیگری، یعنی فرانسه این وظیفه را بعهده بگیرد. ما از ابتدا این توطئه را شناختیم و آن را افشا کردیم. حزب توده ایران نشان داد که دست دراز کردن به سوی امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن نه تنها استقلال ایران را تحکیم نمی کند، بلکه پوششی است برای حفظ مناسبات با امپریالیسم جهانی. کسانی بودند که می خواستند از این واقعیت که امام مدتی در فرانسه در مهاجرت به سر می برد، این نتیجه گیری را بکنند، که گویا فرانسه آزادمنش است، فرانسه آزادی خواه است و فرانسه هوادار مبارزات خلق ها است! آنها قصد داشتند که با فرانسه روابط نزدیک اقتصادی برقرار و برای انحصارات فرانسه جای پای قوی در ایران بسازند. این ها حتی برای خرید اسلحه از فرانسه نمایندگانی را هم به آن کشور فرستادند. اما پس از اشغال "جاسوسخانه" و تشدید فشار امپریالیسم آمریکا و متحدانش، از جمله امپریالیسم فرانسه به ایران معلوم شد که خیر امپریالیسم فرانسه هیچ تفاوت کیفی با امپریالیسم آمریکا ندارد. پس از شروع جنگ تحمیلی دارودسته صدام حسین با ایران هم دیدیم که این فرانسه "آزاد" منش "نه تنها قیافه بیطرفی هم بخود نمی گیرد، بلکه علناً و گستاخانه به رژیم تجاوزکار عراق اسلحه می دهد و از تحویل کشتی های سفارشی ایران که پول آن را هم وصول کرده است، سر باز می زند همه برو بیا های مخفی دولتمردان مامم برای "تصیحت" به فرانسه با عدم موفقیت مطلق روبرو شد و دولت فرانسه به آنها فهماند که "دوستی" فرانسوی ها با ایران تنها

است و یا جهل مطلق.

ما این پیش بینی را کرده ایم که در شرایط مشخص اجتماعی ممکنست همین نیروهای، که ما از آن ها پشتیبانی می کنیم و اینک با آن ها علیه امپریالیسم مبارزه مشترک داریم، در صورت تفوق جناح های انحصار طلب، برخی محدودیت ها را نیز برای آزادی های دموکراتیک بوجود آورند.

در اینجا می شود به نمونه های اسرائیل و یونان از یک طرف و الجزایر و لیبی از طرف دیگر اشاره کرد. در یونان ظواهر دموکراسی بورژوازی تا حدی رعایت می شود، ولی رژیم این کشور از نظر سیاسی-اجتماعی وابسته به امپریالیسم است. در اسرائیل، حزب کمونیست آزاد است و حتی در پارلمان هم نماینده دارد، ولی حکومت این کشور، حکومتی جاپروفاشیستی است، نه تنها برای یهودی های اسرائیل، بلکه برای شماره های عظیم از خلق عرب، که اکنون زیر سلطه این رژیم قرار گرفته اند. از سوی دیگر در الجزایر و لیبی با آن که یک سلسله محدودیت ها در زمینه آزادی های دموکراتیک وجود دارد، ولی موضع گیری دولت های این دو کشور ضد امپریالیستی است. برای ما هم مبارزه علیه امپریالیسم است، که اولویت دارد. با اینکه ما در درجه اول علیه امپریالیسم آمریکا در مبارزه هستیم، امپریالیست ها از نظر ماهوی برایمان فرقی ندارند. حال چه امپریالیسم فرانسه باشد، چه ژاپن، چه انگلستان و فرقی در آلمان غربی -

زمانی مائوئیست ها، "سه جهانی ها" و "انقلاب اسلامی"، که می دیدند امپریالیسم آمریکا خیلی مفتضح شده است، خیلی سنگ تحکیم مناسبات ما را با اروپای غربی و ژاپن به سینه می زدند. افشاگرهای اخیر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نشان داد که اتفاقاً این خواست آمریکا بود که حالا که آمریکا نمی توانست بطور رسمی از "دولت موقت" پشتیبانی کند، دولت دیگری، یعنی فرانسه این وظیفه را بعهده بگیرد. ما از ابتدا این توطئه را شناختیم و آن را افشا کردیم. حزب توده ایران نشان داد که دست دراز کردن به سوی امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن نه تنها استقلال ایران را تحکیم نمی کند، بلکه پوششی است برای حفظ مناسبات با امپریالیسم جهانی. کسانی بودند که می خواستند از این واقعیت که امام مدتی در فرانسه در مهاجرت به سر می برد، این نتیجه گیری را بکنند، که گویا فرانسه آزادمنش است، فرانسه آزادی خواه است و فرانسه هوادار مبارزات خلق ها است! آنها قصد داشتند که با فرانسه روابط نزدیک اقتصادی برقرار و برای انحصارات فرانسه جای پای قوی در ایران بسازند. این ها حتی برای خرید اسلحه از فرانسه نمایندگانی را هم به آن کشور فرستادند. اما پس از اشغال "جاسوسخانه" و تشدید فشار امپریالیسم آمریکا و متحدانش، از جمله امپریالیسم فرانسه به ایران معلوم شد که خیر امپریالیسم فرانسه هیچ تفاوت کیفی با امپریالیسم آمریکا ندارد. پس از شروع جنگ تحمیلی دارودسته صدام حسین با ایران هم دیدیم که این فرانسه "آزاد" منش "نه تنها قیافه بیطرفی هم بخود نمی گیرد، بلکه علناً و گستاخانه به رژیم تجاوزکار عراق اسلحه می دهد و از تحویل کشتی های سفارشی ایران که پول آن را هم وصول کرده است، سر باز می زند همه برو بیا های مخفی دولتمردان مامم برای "تصیحت" به فرانسه با عدم موفقیت مطلق روبرو شد و دولت فرانسه به آنها فهماند که "دوستی" فرانسوی ها با ایران تنها

است و یا جهل مطلق.

ما این پیش بینی را کرده ایم که در شرایط مشخص اجتماعی ممکنست همین نیروهای، که ما از آن ها پشتیبانی می کنیم و اینک با آن ها علیه امپریالیسم مبارزه مشترک داریم، در صورت تفوق جناح های انحصار طلب، برخی محدودیت ها را نیز برای آزادی های دموکراتیک بوجود آورند.

در اینجا می شود به نمونه های اسرائیل و یونان از یک طرف و الجزایر و لیبی از طرف دیگر اشاره کرد. در یونان ظواهر دموکراسی بورژوازی تا حدی رعایت می شود، ولی رژیم این کشور از نظر سیاسی-اجتماعی وابسته به امپریالیسم است. در اسرائیل، حزب کمونیست آزاد است و حتی در پارلمان هم نماینده دارد، ولی حکومت این کشور، حکومتی جاپروفاشیستی است، نه تنها برای یهودی های اسرائیل، بلکه برای شماره های عظیم از خلق عرب، که اکنون زیر سلطه این رژیم قرار گرفته اند. از سوی دیگر در الجزایر و لیبی با آن که یک سلسله محدودیت ها در زمینه آزادی های دموکراتیک وجود دارد، ولی موضع گیری دولت های این دو کشور ضد امپریالیستی است. برای ما هم مبارزه علیه امپریالیسم است، که اولویت دارد. با اینکه ما در درجه اول علیه امپریالیسم آمریکا در مبارزه هستیم، امپریالیست ها از نظر ماهوی برایمان فرقی ندارند. حال چه امپریالیسم فرانسه باشد، چه ژاپن، چه انگلستان و فرقی در آلمان غربی -

زمانی مائوئیست ها، "سه جهانی ها" و "انقلاب اسلامی"، که می دیدند امپریالیسم آمریکا خیلی مفتضح شده است، خیلی سنگ تحکیم مناسبات ما را با اروپای غربی و ژاپن به سینه می زدند. افشاگرهای اخیر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نشان داد که اتفاقاً این خواست آمریکا بود که حالا که آمریکا نمی توانست بطور رسمی از "دولت موقت" پشتیبانی کند، دولت دیگری، یعنی فرانسه این وظیفه را بعهده بگیرد. ما از ابتدا این توطئه را شناختیم و آن را افشا کردیم. حزب توده ایران نشان داد که دست دراز کردن به سوی امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن نه تنها استقلال ایران را تحکیم نمی کند، بلکه پوششی است برای حفظ مناسبات با امپریالیسم جهانی. کسانی بودند که می خواستند از این واقعیت که امام مدتی در فرانسه در مهاجرت به سر می برد، این نتیجه گیری را بکنند، که گویا فرانسه آزادمنش است، فرانسه آزادی خواه است و فرانسه هوادار مبارزات خلق ها است! آنها قصد داشتند که با فرانسه روابط نزدیک اقتصادی برقرار و برای انحصارات فرانسه جای پای قوی در ایران بسازند. این ها حتی برای خرید اسلحه از فرانسه نمایندگانی را هم به آن کشور فرستادند. اما پس از اشغال "جاسوسخانه" و تشدید فشار امپریالیسم آمریکا و متحدانش، از جمله امپریالیسم فرانسه به ایران معلوم شد که خیر امپریالیسم فرانسه هیچ تفاوت کیفی با امپریالیسم آمریکا ندارد. پس از شروع جنگ تحمیلی دارودسته صدام حسین با ایران هم دیدیم که این فرانسه "آزاد" منش "نه تنها قیافه بیطرفی هم بخود نمی گیرد، بلکه علناً و گستاخانه به رژیم تجاوزکار عراق اسلحه می دهد و از تحویل کشتی های سفارشی ایران که پول آن را هم وصول کرده است، سر باز می زند همه برو بیا های مخفی دولتمردان مامم برای "تصیحت" به فرانسه با عدم موفقیت مطلق روبرو شد و دولت فرانسه به آنها فهماند که "دوستی" فرانسوی ها با ایران تنها

است و یا جهل مطلق.

ما این پیش بینی را کرده ایم که در شرایط مشخص اجتماعی ممکنست همین نیروهای، که ما از آن ها پشتیبانی می کنیم و اینک با آن ها علیه امپریالیسم مبارزه مشترک داریم، در صورت تفوق جناح های انحصار طلب، برخی محدودیت ها را نیز برای آزادی های دموکراتیک بوجود آورند.

س: انتظار می رفت که آقای رئیس جمهور در سخنرانی دومین سالگرد انقلاب، به دستاوردهای انقلاب، فداکاری های رزمندگان جبهه های جنگ، برنامه های آینده رژیم - از جمله اصلاحات ارضی، ملی کردن بازرگانی خارجی، تجدید غارت سرمایه داری و مقابله با ضدانقلاب و بویژه با امپریالیسم آمریکا، که می خواهد انقلاب را با شکست روبرو کند - بپردازد. آقای بنی صدر نه تنها در این باره تقریباً صحبتی نکرد، بلکه حزب توده ایران را بطور بی سابقه مورد حمله قرار داد. بطوریکه رادیوهای امپریالیستی از جمله "رادیو کلن" از این سخنرانی با شور و هیجان فراوان یاد و تقریباً همه دشنام های او را به حزب توده ایران گزارش دادند. نظر شما در این باره چیست؟

همانطور که سؤال کننده یادآور شده است، آقای بنی صدر در این سخنرانی انتظار بخش عظیمی از مردم ایران را برآورده نکرد. این سخنرانی به خلاف رهنمودهای امام خمینی بود که لازمست مسائل مورد اختلاف را در بحث ها محدود کرد، آنها را به خیابان و میدان نکشید، برای حل آنها کوشش مکرر بعمل آورد و مردم را مایوس نکرد. اما برعکس آقای بنی صدر، طبق شیوه همیشه خود، باز هم مسائلی را، که بارها و بارها تکرار کرده است، به زبان آورد، البته این بار در لفاظی جدید. به این معنی که این بار "به در گفت، تا دیوار بشنود". یعنی مخاطب اصلی او باز هم دولت و اکثریت نمایندگان مجلس بودند، که آقای بنی صدر آنها را طرفدار خط سیاسی خود نمی داند و نه حزب توده ایران (برای درک این واقعیت لازم نیست زیاد به فز خود فشار آورد!

مقدار زیادی از صحبت های آقای بنی صدر همان چیزهایی ست، که "انقلاب اسلامی"، "رنجبر" و دیگر روزنامه های مائوئیستی هر روز به خورد مردم می دهند و در واقع چیزی جز تکرار اتهامات، افترا و دروغ های "ساواک" و واژه های "جبهه ملی" در سی سال اخیر نیست. این ها برای آن که ضعف و خیانت بزرگ خود را به جنبش و انقلاب ایران بیوشانند و آمریکا و انگلستان، یعنی سازمان دهندگان کودتای ۲۸ مرداد را از زیر ضربه خارج کنند، به حزب توده ایران حمله می کنند!

مقالات متعدد دیگر، جواب داده ایم. ولی خوب مثل این که آقای بنی صدر وقت خواندن این چیزها را ندارد و فقط از طریق آنچه همکارانش برای او خلاصه می کنند، با مسائل مختلف آشنا می شود. وگرنه بعید بنظر می رسد، کسی که اینقدر تظاهر به "علم" و "تحقیق" و "واقع بینی" می کند، ایسن حقایق را بکلی نشنیده بگیرد.

آقای بنی صدر حتی وقتی که می خواهد درباره انقلاب اکثر قضاوت کند، دست بدامن مبتذل ترین روزنامه های بولواوی پاریس می شود! معلوم نیست این مزخرفات درباره این که استالین یک نسخه "پراودا" را فقط برای آن که روی میز لنین بگذارد چاپ کرد، از دکان کدام عطار درآمده است، که آقای بنی صدر در چنان روز بزرگ و تاریخی این بربت و بلاهارا بخورد مردم ایران می دهد!

درباره به اصطلاح "القاء" ایدئولوژی "هم ما به اندازه کافی جواب داده ایم. در این جا فقط یادآور می شویم که در طول تاریخ، این فقط زور - مندان بوده اند، که "القاء" ایدئولوژی کرده اند. وگرنه محرومان که چنین امکانی را ندارند. علاوه بر این، طبقات استثمارگر حاکم به منافع خود خوب آگاهی دارند، به سرمایه دار لازم نیست گفته شود چطور از یک شاهی دو تومان درست کند!

آقای بنی صدر ما را متهم کرده است که حزب توده ایران با همه "امکانات" خود طیف وسیعی از دولتمردان ایران را، که در جهت مخالف او قرار گرفته اند، "القاء" ایدئولوژی می کند. در اینجا کافی است که امکانات محدود ما با امکانات وسیع آقای بنی صدر مقایسه شود. آقای بنی صدر خوب می داند که ما در زمینه تبلیغاتی تقریباً چیزی جز نام "مردم"، آن هم با تیرازی محدود نداریم. خوب، خوانندگان نام "مردم" معمولاً به خلاف خریداران روزنامه "انقلاب اسلامی" افراد مرفه الحالی نیستند. بنابراین ممکنست که تعداد خوانندگان آن سه چهار برابر تیراژ آن باشد. در حالی که خود آقای بنی صدر ادعا کرده است که "انقلاب اسلامی" دویست سیصد هزار تیراژ دارد. علاوه بر این رادیو و تلویزیون هم که با تمام امکاناتش در اختیار آقای رئیس جمهور است. آقای بنی صدر در هر گوشه ای از کشور که صحبت بکند، حرفهایش در رادیو و تلویزیون در سراسر ایران پخش می شود. او می تواند هر چه دلش می خواهد یک طرفه بگوید و از طرف ما کسی نیست که به او جواب بدهد.

ما ده ها بار از آقای بنی صدر تقاضا کرده ایم که بیاید و با ما مناظره و بحث بنشیند و در اینجا هم بار دیگر این پیشنهاد را تکرار می کنیم. شما که ما را به همه چیز متهم می کنید، بیایید و با هم صحبت کنیم. اگر نمی خواهید این صحبت جلوی همه مردم باشد، نوار آنها را تهیه می کنیم. ما عین صحبت های شما را در نامه "مردم" درج میکنیم و شما جواب ما را در "انقلاب اسلامی". شما که خود را اینقدر طرفدار برابری و آزادی معرفی می کنید، قاعدتاً با این پیشنهاد نباید مخالفتی داشته باشید!

اگر یادتان باشد، پیش از اینکه رئیس جمهوری بشوید، قرار بود در جلسه ای دانشگاهی میان شما و یکی از نمایندگان ما مناظره ای بشود، ولی شما قبل از تشکیل جلسه پشیمان شدید!

بیایید و بجای فحش های رکیک و با امکانات وسیعی، که در اختیار - تان هست این آزمایش را این بار عملی کنیم. شما که این قدر به صحت حرف های خود اعتقاد دارید، نباید از این بابت هراسی بدل راهبدهید. یا این که فکر می کنید در حرف های ما نیروی سحر آسای هست، که با وجود همه امکانات محدود ما از سد آهنگین نظرات فلسفی-ایدئولوژیک مذهبی دیگران می گذرد، نیروهای دیگر را "القاء" می کند و انقلاب را به خطر می - اندازد! بنظر ما، خود آقای بنی صدر هم به این حرف ها اعتقاد ندارد!

آقای بنی صدر ادعا می کند که گویا توده ای ها نه علم دارند، نه اخلاق! اما واقعیت آنستکه ما با علم خود خیلی از پدیده های کنونی رونق انقلاب را توانستیم پیش بینی کنیم. مثلاً ما بیش از دوسال پیش بدستی پیش بینی کردیم که با تحول انقلاب، گروه های وابسته به سرمایه داری به سوی سازش با آمریکا خواهند رفت - همان هایی که نمایندگان به اصطلاح "میانرو" آنها، ریگان آرزوی به قدرت رساندنشان را در سر می پرورد و می خواهد برایشان کابینه تشکیل بدهد و خود را از "شر آخوندها" خلاص کند! این قضاوت را ما همچنین هنگامی کردیم که دولت "گام به گام" لیبرال در اوج اعتبار و نفوذ خود بود و مهم تر از همه، از اعتبار و نفوذ امام خمینی، رهبر انقلاب، سوء استفاده می کرد. از طرف دیگر، این مسا بودیم که پیش بینی کردیم، که همه نیروهای ضد امپریالیستی، خلقی و طرفدار تغییرات بنیادی به سود محرومان جامعه در جبهه های متحد کرد خواهند آمد - جبهه های که عملاً دارد تشکیل می شود. اینها غیب گویی نبوده، بلکه براساس علم بوده است!

الان روزنامه "رنجبر" ۱۶ بهمن جلوی من است، یعنی روزنامه ای که شش روز قبل از سخنرانی آقای بنی صدر درآمده است. آدم تعجب می کند

شش روز قبل از سخنرانی آقای بنی صدر درآمده است. آدم تعجب می کند



### کار می کنند، تا تولید بیشتر و بیشتر می جنگند، تا نابودی دشمنان انقلاب

#### لاله های سرخ انقلاب



کارگر شهید محمد کسروی

کارگر کیان تایر، ۲۷ ساله، ماهر، دارای دو فرزند. داوطلبانه به جبهه رفت و در اواسط دی ماه ۵۹، در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید.

راهی گوی پیمود، حق بود و پیروزی با اوست.

#### جاودان باد خاطرۀ تابناک کارگران شهید شرکت ملی حفاری ایران

نازنین وطن! ای قبله گاه عشق آتشین دل های طینده امباد آن روز که دست بلیدنا پاکان عصمت والایت را بیالاید. مباد که من زنده بمانم و خاک عزیزت جولانگاه فرومایگان ضدانقلاب شود.

کارگران شرکت ملی حفاری همچون دیگر کارگران ایران، علیه امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکا می جنگند. بویژه که اینان از زمره کارگرانی هستند که سالها چنگال کسریه شیطان بزرگ را بر گوشت و پوست و استخوان و روح خود از نزدیک احساس کرده اند.

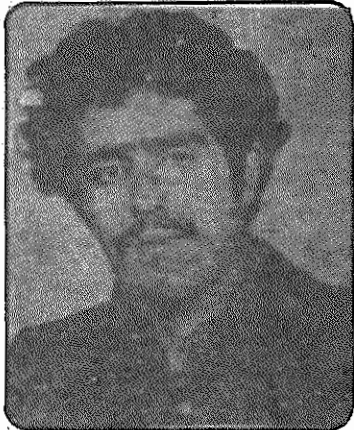
کارگران حفاری از ابتدای جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ما، یعنی انقلابی، در همه عرصه ها جانفشانی کردند. از ستادهای کمک رسانی و سمپاشی و غده بندی کردن مناطق پرازدخا تا تعمیر و ترمیم و مسائل ار.

و... نبرد رویاروی با دشمن در جبهه، در همه جا حضور داشتند و چون قلبهای پاک می طپیدند و می طپید، بعضی (که به حکم امام خمینی شهر را ترک نکردند) همیشه حضور داشتند (همراه با خانواده، در اثر ترکش توپ و خمپاره جان خویش را اهدا کردند تعدادی در جاده های جبهه، و سایر کارگران در قلب جبهه و در نبرد رویاروی.

شهادت: علی داد سالاری، عنایت اله رئیسی، عبدالساده نیگانی، نوروز علی صفائی، محمد مهدی خوش صفا، هوشنگ فتجی، بهمن جفا نثیری و دیدال حسن وندگندائی دسته گل خویش شرکت ملی حفاری ایران را تشکیل می دهند.

نامشان جاودانه و یادشان گرامی باد!

#### لاله های سرخ انقلاب



کارگر شهید غلامرضا کرد

کارگر کیان تایر، ۲۷ ساله، ماهر، دارای سه فرزند. در اواسط دی ماه در جبهه جنوب به شهادت رسید.

وی از ابتدای پیروزی انقلاب در کمیته ها و سپس در سپاه پاسداران به "پاسداری" از دستاوردهای انقلاب روی آورده بود. خاطره اش گرامی باد!

#### راهیان در خاک خفته جبهه کار

کارکنان قهرمان بالایشگاه آبادان با تمام قامت پهلوانی خویش به پاسداری از انقلاب ایستاده اند و تا آخرین تن در برابر نفوذ دشمن آمریکایی و دستیارش صدام و دیگر دست پروردگان او خواهند ایستاد. اگر در این پیکار مقدس جان های پاک در دام هلاک افتند باکی نیست، چه انقلاب به پیش می تازد و میهن انقلابی زنده است، زیرا زحمتکشان شکست ناپذیرند.

اسامی تنی چند از کارکنان شهید بالایشگاه آبادان، که در راستای دفاع از انقلاب به خاک و خون در غلطیدند به قرار زیر است:

عبدالباری محمودی (تعمیرات)
مجید بنی سعید (بیمارستان)
حمید بنی سعید (حفاظت)
یوسف بغلانی (حمل و نقل)
عبدالکریم بیدی (رستوران مرکزی)
داریوش نیک اندیش (تعمیرات)
جمیل جلیلی (ککتراکر)

خاطره تابناکشان گرامی باد!

تهران، این رزمندگان کار و پیکار، که سالهای سال علیه رژیم ددمنش شاه خائن مبارزه کرده اند، این بار به کمک خواهران و برادران پیکارجوی میهنمان، که علیه آمریکا و دستیار او صدام جنایتکار مبارزه می کنند، برخاسته اند. این کارگران هر ماهه یکروز حقوق خود را، که معادل ۲۳۸۰ ریال است، به حساب جنگ زدگان واریز می کنند.

تابحال عده زیادی از کارگران قهرمان میهن ما در

داوطلبان، در محوطه موسسه سرم و واگسن سازی را زی، مستقر شد. در این دوروزچنان استقبالی از جانب کارکنان موسسه بعمل آمد، که ما موران خونگیری را دچار حیرت کرده بود.

کارکنان شریف و زحمتکش موسسه سرم سازی، که امکان ایثار خون در جبهه را نداشتند، با اهدای خون خود در پشت جبهه کمک مجروحین جنگ شتافتند.

#### گران

سندیکی کارگران شیلات ناحیه ۴ گران - جزیره آشوراده

## درود بر کارگران همیشه قهرمان ایران

جبهه های نبرد حق و باطل جان باختند. شهید محمد کسروی و شهید غلامرضا کرد، کارگران کارخانه کیان تایر، که هر یک دارای همسر و چند فرزند بودند، داوطلبانه به جبهه های جنوب رفتند و در طی نبرد قهرمانانه با تاجران صدامی شربت شهادت نوشیدند.

#### آبادان

وزارت نفت هم تابحال چندین شهید تقدیم انقلاب کرده است، از جمله خیتوان از جنتین از شهدای بالایشگاه آبادان نام برد که عبا رتنداز، عبدالباری محمودی، مجید و حمید بنی سعید، یوسف بغلانی، عبدا لکریم بیدی، داریوش نیک اندیش و جمیل جلیلی.

پتروشیمی آبادان هم تا کنون چند شهید نثار انقلاب کرده است: علی آل بوعلی، حمید عسگریان و کریم کلایی. درود بر همه رزمندگان که در جبهه و پشت جبهه های جنگ حماسه آفریدند!

درود بر طبقه کارگر، طبقه همیشه قهرمان ایران، که در همه جبهه های جنگ، برای حراست از مرزهای میهن ما، جان بر کف، به استقبال شهادت میشتابد.

ضمن صدور اطلاعیه ای آمادگی خود را برای مبارزه با تاجران - گران صدامی اعلام کرد. سندیکی در این اطلاعیه همچنین خاطر نشان ساخت که کارگران شیلات جزیره آشوراده، یکروز حقوق خود را برای کمک به هم میهنان جنگ زده اختصاص داده اند.

#### تهران

کارکنان شرکت ملی صنعتی جنرال، ضمن انتشار اطلاعیه ای، اعلام کرده اند که مانند ماههای قبل، یکروز تا پنج روز حقوق خود را برای کمک به پیکارگران و جنگ زدگان، به مبلغ ۱/۴۹/۱۳۸ ریال، به حساب جاری شماره ۲۲۲ بانک ملی ایران، واریز کرده اند.

اتحادیه سینما داران کشور هم تا کنون در چند نوبت به برادران و خواهران جنگ زده کمک کرده است. مجموع این کمک ها تا کنون به مبلغ ۵/۱۸۰/۰۰۰ ریال بالغ شده است. همچنین کارکنان سینما مولن روز تهران، جداگانه مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال وجه نقد برای جنگ زدگان اختصاص داده اند.

کارگران کارخانه چیت

امپریالیسم آمریکا به همراه رژیم جنایتکار صدام و سایر کشورهای مرتجع منطقه و ساکن ستون پنجم خود در داخل ایران، قصد دارد که انقلاب ما را ساکت مواجه سازد، از این رو دائم با هیله جدیدی متوسل می شود. با اینکه تابحال شن رتقنه های تاجران و کارانه اش نه تا می گرا ئیده است، ولی اودست بردار نیست و همچنان در تلاش برای پیاده کردن نقشه نسیم خود بر می برد.

در این میان مردم قهرمان ایران و در ساسات آنها طبقه

کارگر بیکار رجوی آن، پیوسته در صحنه کار رو بیکار ره نبرد با تاجران ادامه می دهند. کارگران آگاه ایران از ظرفی برای مبارزه با تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیست ها، تا آنجا که در توان دارند، به بالا بردن سطح تولید می پردازند و همچنین با کمک های مادی و معنوی خود به پیکارگران در جبهه باری می رسانند. از طرف دیگر، در جبهه، با ایثار خون خود، نهال انقلاب را با رور می کنند، در زیر به چند نمونه از کمک های کارگران مبارز در چند نقطه از ایران می پردازیم:

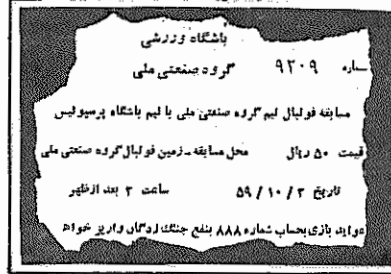
#### خراسان

کارخانجات صنایع غذایی خراسان، ضمن محکوم کردن اعمال غیر انسانی رژیم جنایتکار صدام، آمادگی خود را جهت مبارزه با نوظفنه امپریالیسم آمریکا، از طریق شرکت در کلاسهای بسیج و کمک های اولیه برای اعزام به جبهه جنگ، برای حمایت از برادران و خواهران مبارز اعلام کرد.

#### کرج

در روزهای ۵۹/۹/۳۰ و ۵۹/۱۰/۱، به مدت دو روز یک اکیب از سازمان ملی انتقال خون برای دریافت خون از

#### جبران خسارت جنگت و کمک به جنگت زدگان، بهر طریق، یک وظیفه انقلابی است



کارکنان کفش ملی بمنظور کمک به جنگت زدگان دست بست بد ابتکار رجالیسی زدند. از طرف باشگاه ورزشی گروه صنعتی ملی، در تاریخ دوم دی ماه ۵۹، یک مسابقه فوتبال ترتیب داد: شد و بهای بلیط مسابقه بد حساب جنگت زدگان واریز شد.

### کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

#### کارخانه تولیدارو برادر! نانم را با تو قسمت خواهیم کرد

کارکنان قسمت های کیوان، لابراتوار دارویی و آرایشی کارخانه تولیدارو، یک پنجم از سهمیه مواد غذایی روزانه خود را برای جنگت زدگان می فرستند. این تصمیم انقلابی، جواب دندان شکن کارکنان انقلابی تولیدارو به کسانی است که قصد داشتند، کارخانه را به بهانه بدبودن غذا به تعطیل بکشاند.

آری، زحمتکشان ایران پیش از هر چیز به انقلاب و پاسداری از دستاوردهای آن، در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکا می اندیشند. از طرف کارگران یکی از قسمت ها (که جمعا بالغ بر صد و پنجاه نفرند) برنامه ای تنظیم شده است. طبق این برنامه همه کارکنان طی چند روز متوالی دسته دسته با گل و شیرینی و میوه به دیدار زخمی شدگان جبهه ها به بیمارستان های روند.

افرادی که به عیادت مجروحین می روند، قبلا جای خود را به دیگران واگذار می کنند، تالطمه ای بامر تولید وارد نشود. در یکی از این دیدارها، انقلابیون مجروح به کارگران یادآور شدند که:

"چرا کار و تولید خود را ترک کرده اید؟ شما باید تولید کنید، تا بتوانید آمریکارها شکست دهید!"

پیام من به برادران کارگر، که در خط مقدم جبهه هستند، این است که تا آخرین قطره خون خود مبارزه کنید، تا انشاء الله پیروزی را به شهرهای خودمان ببریم و برادرانسی که در کارخانجات هستند، سعی کنند که تولید را به روشگی و با هر مشکلی که هست، افزایش دهند، تا وقتی که به امید خدا دست جنایتکاران و خائنان از حقوق مستضعفین کوتاه شود."

کارمی کند و کشاورزی که بر سر زمین است و مواد غذایی تولید می کند، همه در جبهه اند و همه در حال مبارزه اند... اما کسی که بخاطر کمبود بعضی مواد می آید و اعتصاب و تحصن راه می اندازد، و کسی که بخاطر طبقه بندی (مشاغل) و مسائلی از این قبیل کم کاری می کند و کارخانه را به تعطیل می کشاند، در جبهه نیست.

این جنگ شرکت کنم و همه مردم هم باید شرکت کنند. رحیم زاده سپس به افشای ماهیت ضد مردمی رژیم صدام می پردازد و در انتها به کارگران چنین پیام می دهد: "بنظر من از کسی که با اسلحه رود روی دشمن ایستاده، تا کسی که با ماشین تدارکات او را تامین می کند، و کسی که از تهران برایش غذا می فرستد و حتی آن برادری که در کارخانه

روزنامه شورا (شماره ۳۶) مصاحبه ای دارد با عبدالمجید رحیم - زاده ۲۰ ساله، کارگر کارخانه کلاچ قزوین، که هم اکنون در جبهه جنگ بر می برد.

رحیم زاده، ضمن تاکید بر این که "مبارزه ما تنها با عراق نیست"، بلکه علیه آنهایی است که می خواهند انقلاب ما را از بین ببرند" می گوید: "من وظیفه خود دانستم که در

#### آن که کار می کند و آن که در جبهه است، هر دو بغاظر انقلاب می جنگند.

### کارگران سخن می گویند



### ویژه روستاهای اطراف تهران

صدها و صدها روستا در اطراف تهران برانگیزانده اند که علیرغم نزدیکی به پایتخت، به بسیاری از نیازهای تولیدی و یا مایحتاج زندگی دسترسی ندارند. در این مناطق، نهاد های انقلابی، بویژه جهادسازندگی، سیاه پاسداران، دادگاه انقلاب، هیئت نظری و سوراها ده کارهای مثبت فراوانی انجام داده اند، منتهی با

رفع نقایص عدیده کار و توجه جدی و متعهدانه به مسائل این روستائیان، می توان و باید روستاهای اطراف تهران را به دژهای انقلاب بدل کرد و از نفوذ عناصر ضد انقلاب بد آنها جلوگیری کرد. برخی از مسائل ذوات اطراف تهران، در این صفحه دهقانی نامه "مردم" بازتاب می یابد:

### اراضی بزرگ مالکی کویر آباد را می توان فوراً به دهقانان واگذار کرد

روستای کویرآباد در ۲/۵ کیلومتری جنوب دولت آباد و در حوالی گرمسار قرار دارد. بزرگ مالک روستا و فرزندان وی در گذشتار ۳۰۰ هکتار زمین دایر و صد هکتار زمین بایر را در مالکیت خود داشتند.

پیش از اصلاحات ارضی آمریکا، شاه طمعون، حدود ۴۵ خانوار در این روستا زندگی می کردند. اما در جریان آن، بزرگ مالک، که علاوه بر کویرآباد در چند روستای دیگر نیز زمین داشت حق ریخته برخی از دهقانان را خرید و آنها را بزور از آنجا کوچاند. پس از آن تنها ۲۰ خانوار، آنها بشرط اظهار فقدان حق بر اراضی، توانستند در روستا بمانند. در واقع این اراضی بزور و با سندسازی از دهقانان گرفته شده است.

پس از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، همیشه صحبت از اصلاحات ارضی واقعی به میان آمد. بزرگ مالکان، که منافع خویش را در خطر نابودی می دیدند، به بهانه این که خود می خواهند کشت کنند، زمینها را از دهقانان گرفتند، در حالی که قسمت اعظم زمینها را بدون کشت باقی گذاشتند. بنابراین، چه از نظر منشا مالکیت و چه از نظر بی حاصل گذاشتن اراضی، حق و قانون حکم

می کند که هر چه مزد تر زمین ها به دهقانان واگذار شود.

به همین جهت هم هنگامی که هیئت هفت نفری تشکیل گردید، بخشی از اراضی بزرگ مالکان به دهقانان واگذار شد، لیکن قسمت اعظم زمینها در دست بزرگ مالکان باقی ماند و آنها هم اکنون مترصدند تا بقیه زمینها را نیز از دهقانان پس بگیرند. در حالیکه دهقانانی که زمین بدست آورده اند، بیش از ده نفر نیستند و بقیه هنوز در انتظار اقدام هیئت مذکور بسر می برند. به هیئت هنوز متأسفانه امکان داده نشده است که به این خواست آنان پاسخ دهد. البته به هر کدام از دهقانانی که زمین دریافت کرده اند، حدود ۷ هکتار رسیده است، ولی این روستائیان با مشکل کمبود آب روبرو هستند.

امید است که هیئت هفت نفری گرمسار هر چه سریع تر به وضع همه اراضی کویرآباد رسیدگی کند و قانون اصلاحات ارضی را بطور کامل اجرا کند. ضمناً لازمست که جهادسازندگی و سایر نهادهای مسئول، مشکل کمبود آب و وسایل کشت را با همیاری خود دهقانان و تشویق آنان به همکاری، مرتفع سازند.

### فقدان امکانات رفاهی برای مردم زحمتکش محمودآباد و قاسم آباد

منطقه محمودآباد و دهستان قاسم آباد در ۲۵ کیلومتری جنوب تهران - گرمسار (جاده قدیم مشهد) فاقد امکانات ابتدائی زندگی هستند.

آلونهای رفید شده در کناره و کوچه های خاکی محمودآباد نبودن آب لوله کشی و حمام مناسب و دبیرستان، مشکلات فراوان برای ساکنان این منطقه بوجود آورده است. همچنین هوای آلوده برخاسته از لوله های سیاه کوره ها، سلامتی ساکنان را مورد تهدید قرار داده است. منطقه آب کافی کشاورزی دارد، ولی ترتیب استفاده از آن هنوز داده نشده است. در جنوب منطقه محمودآباد، دهستان قاسم آباد با همان مشکلات و شرایط، گسترده شده است. شورای قاسم آباد، که از زحمتکشان محلی تشکیل شده، سعی در برطرف کردن مشکلات مزبور را دارد، اما تا از طرف نهادهای انقلابی کمکی به آن نشود، کاری از پیش نخواهد بود. دهقانان و شورا در انتظار این نهادها هستند. این شورا برای یک رشته کارهای سازندگی احتیاج به وامی دارد که متأسفانه تاکنون نتوانسته از هیچ محلی آن را تامین کند.

مقامات مسئول و نهادهای انقلابی وظیفه دارند همان گونه که امام خمینی نیز تصریح کرده اند - بوضع دهقانان رسیدگی کنند و با توجه به مشکلات منطقه محمودآباد دویاری - رساندن به شورای محلی دهستان قاسم آباد، در جهت تامین خواسته های این مردم زحمتکش بکوشند و آنها را بیش از پیش به انقلاب و دستاوردهای آن امیدوار کنند و موجبات رشد تولید را فراهم سازند.

### درسی از نابودی محصول در روستای جوادآباد

در روستای جوادآباد از توابع ورامین، قطعه زمین وسیعی وجود دارد که مالک آن فراری است و امسال جهاد سازندگی را سا اقدام به کشت پنبه در آن کرد. هنگامی که زمان برداشت محصول فرارسید، بعلت کمبود نیروی کار، بیش از ۱۶ هکتار از این زمین دست نخورده باقی ماند و خطر از بین رفتن محصول آن، نگرانی اعضای جهاد را برانگیخت.

ماضن توجه مقامات مسئول وزارت کشاورزی و جهادسازندگی به این مسئله، ضرور می دانیم که از همه وسایل تبلیغی و روشنگری برای بسیج افراد علاقمند و مومن به انقلاب استفاده شود.

نظیر این ۱۶ هکتار پنبه، در سایر نقاط نیز می توان، با تکیه به مردم

محصول را از نابودی رها نند و با کشت و جمع - آوری محصول را سازمان داد. همه انقلابیون صدیق در این زمینه وظیفه مهمی دارند. حتی یک غوزه پنبه یا یک دانه گندم نباید به هدر رود. سازمان دادن کار داوطلبانه مردم و کارمندان و دانش آموزان امری ضروری است.

### دستاوردهای انقلاب را به روستای دولت آباد هم ببریم

دهها روستا در کشور ما بنام "دولت آباد" وجود دارد. ولی مطلب امروز ما در باره آن روستای دولت آباد است که در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی گرمسار قرار دارد. این روستا حدود ۷۰۰ نفر جمعیت دارد و اهالی آن بیشتر به زبان آذربایجانی صحبت می کنند و تقریباً همگی قوم و خویش یکدیگرند.

اهالی این ده و چندین ده دیگر اطراف آن، در زمان شاهان قاجار، به علت اینکه جزء شورشیان علیه دربار و حکومت بودند، به این محل کوچ داده شدند. شغل اولیه اهالی این روستاها دامداری بوده، که بعداً کشاورزی هم به آن اضافه شده است.

قبل از انقلاب بر اثر مشکلاتی که از طرف رژیم گذشته ایجاد می شد، دامداری در این منطقه رو به ضعف گذاشت و از تعداد دامها سال به سال کاسته شد. وقتی شرکت زراعی در گرمسار ایجاد شد، دهقانان این روستا در مقابل آن ایستادگی کردند، ولی بر اثر ضعف دهقانان و خوشنترزیم، در سال ۵۳ دولت موفق به الحاق روستا به شرکت شد. دهقانان بی چیز در این شرکت به کارگری می پرداختند و مزد می گرفتند.

بعد از انقلاب، خوشنشینان ده، که حدود ۴۰ نفر هستند، جمع شدند و توسط نماینده های به نهادهای مختلف از جمله وزارت کشاورزی، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و استانداری شکایت کردند و خواستار زمین شدند. ولی پاسخی به آنها داده نشد. بعضی از آنها که روی زمین خانها و اربابان کار می کردند، صاحب زمین شدند،

ولی بقیه هنوز زمینی برای کشت ندارند. در این ده حمام بهداشتی و نوساز، برق، مدرسه نوساز ۵ کلاس به با ۱۲۰ دانش آموز وجود دارد ولی اهالی این روستا از نظر وسیله نقلیه و اتوبوس در مضیقه هستند و برای سوار شدن به اتوبوس باید به محلی در ۵ کیلومتری ده بروند. در سال گذشته توسط جهاد سازندگی در روستا لوله کشی آب شده است، ولی هنوز به منازل انشعاب ندادند.

شورای ده با نظارت فرمانداری و سپاه تشکیل شده است، که فعالیت آن در این مدت عبارت بوده از: پیگیری در مورد لوله کشی آب، ارتباط با جهاد سازندگی برای رفع مشکلات درخواست علوفه، سیمان، بنزین و گازوئیل برای روستا. شورای ده گاهی اوقات هم به اختلافات جزئی میان کشاورزان رسیدگی می کند.

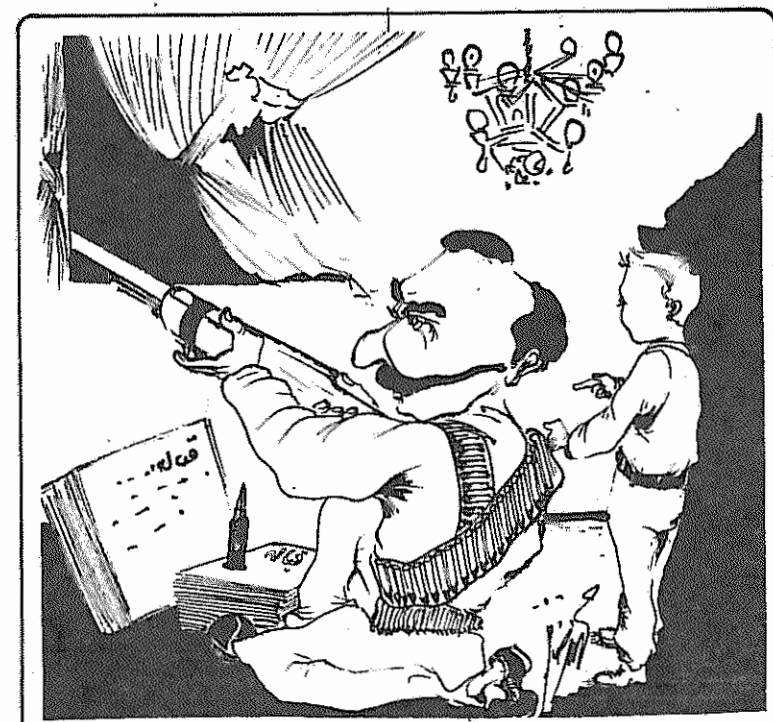
روستای دولت آباد دارای شرکت تعاونی است، که دارای ساختمانسی نوساز، انبار و غیره است. از اقدامات این شرکت، آوردن کود شیمیایی، قند و شکر سهمیه بندی شده اهالی و نفت بوده است.

در این ناحیه امکانات فنی و تاسیسات متعددی از شرکت سهامی زراعی باقی مانده، که باید از آنها بصورت جدید و در محتوای کاملاً نو - بسود دهقانان تهیدست - استفاده کرد. تشکیل یک تعاونی تولید نیرومند متعلق به خود دهقانان و متکی به نهادهای انقلابی، با استفاده از تاسیسات و تجربیات قبلی، می تواند بسیاری از مشکلات را حل کند.

### باید از هم اکنون به فکر تأمین سوخت (بنزین) برای روستائیان منطقه گرمسار بود

در منطقه گرمسار، دهقانان از هم اکنون زمینها بی راهی که با بیدیه زیر کشت خریزه بیرونند، آبپاری می کنند. این اراضی با بیدیهها رخش زده و کشت شوند. در این منطقه دهقانان برای رفت و آمد بر روی اراضی خود بطور عمده از موتورسیکلت استفاده می کنند. همچنین سمپاشی محصولات عموماً با سمپاشهای موتوری که سوختشان بنزین است، صورت میگیرد. و با لایحه زمینهای روستائیان قطعه قطعه اند و محصولات آنها نیز کم است. در نتیجه حمل محصولات با کامیونها یا گازوئیلی امکان پذیر نیست و تمام می محصولات توسط وانت حمل میشوند.

بمنظور جلوگیری از نفوذ ضد انقلاب که با بیاهنه کمبود سوخت بمیدان می آید و در تولید اخلال می کند و ناراضی در میان روستائیان ایجاد می کند، باید از هم اکنون به فکر تأمین سوخت (بنزین) برای کشاورزان روستاهای منطقه گرمسار بود. مسئولین با این کار خود بطور حتم در کوشش برای بی اثر کردن توطئه های ضد انقلاب و ارتقاء سطح تولیدات کشاورزی سهمیم نخواهند شد.



پسر: پدر، آمریکا حمله کرده سنگر گرفتی؟ بزرگ مالک: نه پسر جون، او ملن زمین رو تقسیم کنن، بدن به دهاتیها. آمریکا که با ما کاری نداره!

### گذری به روستاهای شهریار

روستاهای منطقه شهریار با کمبود امکانات مختلف روبرو هستند و با این که قسمتی از اراضی مالکان بزرگ منطقه بین روستائیان این نقاط تقسیم شده است، لیکن هنوز به بسیاری از کشاورزان سند مالکیت داده نشده و با اصولاً زمینهای مصادره شده، هنوز در اختیار کشاورزان قرار نگرفته است.

به عنوان نمونه، هیات ۷ نفری واگذاری زمین، املاک جهانبانی بزرگ مالک روستای آدران شهریار را مصادره کرده است، لیکن با وجود گذشت مدت زیادی، هنوز نحوه واگذاری املاک مصادره شده به دهقانان روشن نیست. املاک مصادره شده حدود ۸۰۰ هکتار زمین و ۶۰ هکتار باغ است. در این اراضی حدود ۱۰۰ چاه عمیق وجود دارد تاکنون قسمتی از اراضی زیر کشت گندم رفته است. لازم به توضیح است که دهقانان بی زمین و کم زمین آدران پرسشنامه های مربوط به واگذاری زمین را پر کرده اند و منتظر واگذاری هر چه سریع تر زمینها هستند. اراضی مصادره شده مشمول بند "ج" نیستند و از هم اکنون، یعنی طبق بندهای "الف" و "ب" و قبل از پایان دوران تعویق موقتی بند "ج"، می توان این گونه اراضی را به دهقانان داد و سند مالکیت مشخص یا مشاع را تسلیم آنها کرد.

در بعضی از روستاها هم، مانند روستای شاه عیبدآباد، هیات ۷ نفری واگذاری زمین، اراضی مالکان بزرگ را به خوشنشینان اجاره داده است. با اینکه روستائیان شاه عیبدآباد خواستار واگذاری رسمی زمین به خود هستند، لیکن فعلاً از همین اقدام هیات هفت نفری نیز بسیار استقبال کرده اند، زیرا این کار باعث شد که آن ها از اجرای قرارداد ظالمانه ای که قبلاً مالک ده تحمیل کرده بود، سر باز زنند. بر اساس قرارداد مزبور، محصول زمین می بایست به نسبت پنج به یک بین مالک و کشاورزان تقسیم شود. در حالی که دهقانان شاه عیبدآباد در حال حاضر برای هر هکتار سالانه ۱۰۰۰ تومان اجاره می دهند. ولی البته هر چه زودتر باید تکلیف قطعی بعمل آید و زمینهای بزرگ مالکان بطور قطع به دهقانان بی زمین و کم زمین واگذار شود.

اغلب کشاورزان روستاهای شهریار از داشتن خانه های مناسب محروم هستند و بعضی نیز اصولاً خانه های ندارند. در حال حاضر زمین های از طرف بخشدار منطقه هیئت نظری در اختیار روستائیان یوسف آباد صرفی گذاشته شده است، لیکن کشاورزان توانایی مالی برای ساختن خانه در این زمینها را ندارند. بر مسئولین امر است که با پرداخت وام و دادن کمکهای ضروری دیگر، کشاورزان را در امر خانه سازی یاری کنند.

اهالی این مناطق، با وجود نزدیکی به تهران، از نظر رفت و آمد در مضیقه هستند و کمبود وسایل کشاورزی موجب می شود که کشاورزان شهریار برای تولید کشاورزی متحمل هزینه های گزاف شوند. طبیعی است که واسطه ها و سرمایه داران بزرگ از این وضع استفاده می کنند و اندک محصول کار این کشاورزان را نیز به بیگما می برند. لذا از مسئولین کشاورزی می خواهیم که در جهت تامین این وسایل با ایجاد مراکز خدمات کشاورزی و هم چنین خرید محصولات کشاورزی منطقه با قیمت عادلانه تضمین شده، اقدام دست واسطه ها را کوتاه کنند.

امام خمینی: مستضعفین باید با زور حق خود را بگیرند.



### نظام جدید آموزش و پرورش در الجزایر

سال تحصیلی جاری در الجزایر با شرکت ۴ میلیون کودک آغاز شد، که ۶۰۰ هزار نفر از آن‌ها برای نخستین بار کلاس درس را به چشم می‌دیدند. ویژگی سال تحصیلی ۱۳۵۹/۶۰ آن بود که بر اساس سیستم "اکول فوند امانتال" ("مدرسه پایه")، یعنی پلی تکنیک نه کلاسه، آغاز گشت.

این سیستم، که در الجزایر از آن به مثابه نقطه عطفی در تاریخ آموزش و پرورش آن کشور نام برده می‌شود، برنامه‌های درسی و شیوه‌های جدید تدریس را در بر می‌گیرد. اندیشه سیستم کنونی چیز جدیدی نیست و چهار سال پیش در "منشور ملی"، که برنامه تعمیم انقلاب الجزایر محسوب می‌شود، پیش‌بینی گردید. کنگره چهارم "جبهه آزادی ملی" در زمستان ۱۳۵۷ ضرورت اجرای این ماده "منشور ملی" را خاطر نشان ساخت و آن را به مثابه کار پایه (پلاتفورم) مهم ایدئولوژیک انقلاب الجزایر توصیف کرد.

برنامه‌های درسی و شیوه‌های تدریس سیستم جدید، چهار سال است که در برخی از مدارس الجزایر آزمایش می‌شود و نتایج آن نیز رضایت بخش بوده است. آغاز این سیستم در سراسر کشور بخشی است از برنامه توسعه ملی ۱۳۵۹-۶۳، که بهبود کمی و کیفی آموزش و پرورش، قسمت مهمی از آن را تشکیل می‌دهد.

مهم‌ترین هدف‌های سیستم جدید عبارت است از آموزش همگانی و اجباری برای همه کودکان الجزایری، که امسال پا به دبستان گذاشتند و هم پیوندی هر چه بهتر آموزش و پرورش با تحول عمومی جامعه.

الجزایری‌ها به خوبی آگاهند که نظام جدید آموزشی با دشواری‌های فراوانی روبرو خواهد بود. در این کشور هنوز مدرسه، کلاس درس و معلم کافی وجود ندارد. حدس زده می‌شود که در دبستان‌ها به ۱۱ هزار و در مدارس متوسطه به ۵۰۰ کلاس اضافی احتیاج است. در شهرهای بزرگی، مانند الجزیره، اوران، کنستانتین و غیره حتی پیدا کردن زمین مناسب برای ساختمان مدرسه با مسائل دشوار همراه است. در حال حاضر از کلاس‌ها باید دو هفته استفاده شود و هر معلم تدریس ۵-۴۰ شاگرد را به عهده بگیرد. دشواری دیگری باید در رشد سریع جمعیت الجزایر جستجو کرد، که هر ساله

بیش از سه درصد افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، کوشش برای بهبود نظام آموزش و پرورش باید از چارچوب مقابله با میراث شوم گذشته تجاوز کند. البته بقایای این میراث هنوز در همه گستره‌های زندگی اجتماعی الجزایر، از جمله در آموزش و پرورش، مشهود است. پیش از استقلال الجزایر در ۱۸ سال پیش، تنها ۱۰ درصد کودکان ۱۳-۶ ساله به مدرسه می‌رفتند. این بیکره اکنون به ۷۰ درصد رسیده است. با این همه هنوز ۳ درصد آن‌ها، یعنی ۱/۲ میلیون کودک، امکان آن را ندارند که به مدرسه بروند. در این زمینه، بویژه کوشش می‌شود که درصد دختران بالا برود. در حال حاضر تنها ۵۹/۸ درصد کودکان ۱۳-۶ ساله به مدرسه می‌روند.

چندی پیش، محمد شریف خروبی، وزیر آموزش و پرورش الجزایر، مهم‌ترین وظایف این کشور را در گستره آموزش و پرورش، از یک سو، "بهره‌برداری بیشتر از امکانات مادر مقابله با شماره فزاینده کودکان" و، از سوی دیگر، تدوین و اجرای برنامه‌های توصیف کرد، که "پاسخگوی انتظارات مردم ما" باشد.

آنچه مسلم است، برنامه کنونی آموزش همگانی و اجباری شش ساله دیگر پاسخگوی نیازمندی‌های الجزایر نیست، که در راه ساختمان جامعه‌ای نو گام برمی‌دارد و هم اکنون دارای پایگاه صنعتی مدرن است.

شاگردانی که کلاس ششم را به پایان می‌رسانند، از نظر سطح سواد، توانایی آن‌را ندارند که تحصیلات متوسطه خود را آغاز کنند و یا آنکه به حرفه‌آموزی بپردازند. امید می‌رود که نظام جدید این دشواری را برطرف سازد. برنامه تحصیلی جدید، فزون بر زبان‌های بیگانه و علوم طبیعی، کار در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را نیز در بر می‌گیرد. هدف آن است که کودکان به کار مشتاق شوند و خویش را برای آموزش شغل مورد علاقه خود آماده کنند. در برنامه تحصیلی مدارس نه ساله، ورزش نیز از مقام خاص بهره‌مند می‌گردد.

یکی دیگر از اجزاء مهم برنامه تحصیلی، آموزش سیاسی است، که به‌ویژه آشنایی با "منشور ملی"، قانون اساسی، نهادهای محلی، "جبهه آزادی ملی" و سازمان‌های توده‌ای را شامل می‌شود.

سازمان همبستگی خلق‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را بشناسیم

"سازمان همبستگی خلق‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین" - "اوسپال" (ارکانیزاسیون رد سولیداریتاد د لوس پوپولوس د آفریقا، آسیا ای آمریکا لاتینا) در ۲۵ دی ماه امسال پانزدهمین سالگرد تاسیس خود را جشن گرفت. این سازمان در نخستین کنفرانس همبستگی خلق‌های سه‌قاره، که از ۲۴-۱۳ دی ماه ۱۳۴۴ در هاوانا برگزار شد، تاسیس یافت. در این کنفرانس ۵۱۲ نماینده جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و سازمان‌های مترقی - انقلابی ۸۲ کشور جهان شرکت داشتند.

هدف‌های این سازمان عبارت است از: اتحاد همه نیروها برای پشتیبانی موثر از جنبش‌های آزادی‌بخش سراسر جهان

نماینده جهاد سازندگی گلیانگان: با وجود تمام کارشکنی‌ها، انقلاب پیروز خواهد شد

حسین خوشنویسان، مسئول جهاد سازندگی سوسنگرد، در جبهه هویزه، هنگام جنگ علیه نیروهای تاج و زرگرمدا می‌به درجه شهادت رسید.

در مراسم بزرگداشت ایمن شهید، که با شرکت عده زیادی از مردم در گلپایگان برگزار شد،



### شرکت خانه‌سازی الهیه به نامه «مردم» پاسخ می‌دهد

شرکت خانه‌سازی الهیه طی نامه شماره ۵۹/۲۲۰/ک/۵۹ مورخ ۵۹/۴/۸، به مطلب نامه «مردم» زیر عنوان "در شهرک الهیه چه می‌گذرد"، مندرج در شماره ۱۸۸ نامه «مردم»، مورخ ۵۸/۱۲/۲۰ - که در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۸ به نامه «مردم» رسیده - پاسخ داده است که در زیر عیناً درج می‌گردد:

"در رابطه با ۳۹ درصد سهام شرکت خانه‌سازی الهیه که قبلاً متعلق به شهرام پهلوی نیا بوده است و بعداً ز پیروزی انقلاب طبق حکم محاکمات وقت به ما دره بنیاد مستضعفان در آمده است، از تاریخ ۵۸/۱۱/۲۰ که مسئولین فعلی بنیاد مستضعفان در شرکت الهیه سهام و عملیات کنترل مدیریت آن را به عهده گرفته‌اند و نیز با توجه به پرونده‌های موجود، نیز گواه کارکنان شرکت، که از بسد و تاسیس مشغول بکار بوده‌اند، سعی خدمتگزاران بنیاد مستضعفان در این بوده است که تمام حقوق و مزایای کارگران زحمتکش و کارکنان آن طبق مشاهدات خود ایشان و پرونده‌ها و لیست‌های موجود در تاریخ ما موریت خود پرداخت و حتی در بعضی از مواقع، حقوق روزانه کارگر ساده از ۳۰۰ ریال به حداقل ۶۳۵ ریال به اضافه کلیه مزایای قانونی رسانیده است و نه تنها هیچ کارگری اخراج نشده است، بلکه به تعداد آن هاجت پیشبرد کارها افزوده شده است و با رجوع به پرونده‌های موجود هیچگاه تعداد کارکنان شرکت از ۵۰۰ نفر بیشتر نبوده است که حدود ۶۰۰ نفر از آنها بیکار یا اخراج شده یا شدند و مسئولین بنیاد مستضعفان بلافاصله بعد از شروع ما موریت خود در ارائه کارها و تحرک کارگاه کوشیده و هیچگاه شرکت مزبور در این مدت تعطیل خانه، آنهم بدون افزایش قیمت، که هم اکنون در بقیه نقاط مملکت در حال سیر صعودی است، قرار داده‌اند که احتمالاً خدمت‌های شرکت در راه جلوگیری از تورم در یکی از مسائل مسوورد نیاز مردم، این مسئله را می‌توان از تعداد متقاضیان خانه در این شهرک و رضایت آن هادر پرداخت مبلغ آن بوضوح در یافت. بنابراین این برخلاف ادعای روزنامه مردم نه حقوق معوقه در شرکت الهیه موجود است و نه کارگر اخراجی و با مراجعه به حساب‌های شرکت الهیه در بانک‌ها، برخلاف گفته روزنامه مردم، از میلیون‌ها تومان بدهکاری خبری نیست و حساب‌ها بستن کار نیز می‌باشد و همچنین در حال حاضر شرکت با تمامی پرسنل و کارآیی و را ندمان خوب در حال فعالیت بوده و تعداد خانه‌های آماده و ارائه شده به متقاضیان فراوان مسکن نمونه پیشرفت کاری این شرکت است. ولی قبل از تاریخ ما موریت ما چه مسائلی در رابطه با مصادره ۳۹ درصد سهام شرکت خانه‌سازی الهیه بوده و تصمیم گیری در مورد مسئولین امر در آن زمان نه در صلاحیت ما است و نه عدم توجه به گذشته موجب تعطیل و زاکد ماندن ویاییکاری کارگران و یا عدم پرداخت مطالبات آینده شرکت می‌باشد. نامه «مردم» - چنانکه ملاحظه می‌شود، تا به فوق خیلی دیر به نامه «مردم» رسیده و متأسفانه در این فاصله بعلا شغال دفتر نامه «مردم» توسط اشخاص غیر مسئول، اسناد و مدارک موجود از بین رفته است و فعلاً امکان پی‌جویی نیست.

### نمایشگاه کاریکاتورهای ضد امپریالیستی در ماسال



سازمان جوانان توده ایران - شهرستان ماسال، روز اول بهمن ماه ۵۹، نمایشگاهی از کاریکاتورهای ضد امپریالیستی، از بسد و پیروزی انقلاب تاکنون، برپا کرد. این نمایشگاه، که در مدت برپایی مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت، به افشای

### نمایشگاه شهیدان حزب توده ایران در قزوین



به مناسبت ۱۴ بهمن، سالروز شهادت دکتر ترقی ارانی، آموزگار زحمتکشان ایران، نمایشگاهی از سوی سازمان حزب توده ایران در قزوین برپا شد. این نمایشگاه از زدن دکتر ترقی ارانی، مظهر مقام و متذکر برای استبداد فاشی، تا شهدای حزب توده ایران در جنگ عادلانه علیه تاجران آمریکا می‌شود. این نمایشگاه مورد استقبال مردم این شهر قرار گرفت.

### برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نماینده جهاد سازندگی گلیانگان: با وجود تمام کارشکنی‌ها، انقلاب پیروز خواهد شد

نماینده جهاد سازندگی گلیانگان، حسین خوشنویسان، مسئول جهاد سازندگی سوسنگرد، در جبهه هویزه، هنگام جنگ علیه نیروهای تاج و زرگرمدا می‌به درجه شهادت رسید.

در مراسم بزرگداشت ایمن شهید، که با شرکت عده زیادی از مردم در گلپایگان برگزار شد،



# چند پرسش از لیبرالها

## نامه هواداران حزب توده ایران در بروجن به سپاه پاسداران: توطئه ضد انقلاب را در بروجن خنثی کنیم

به دنبال درگیریهای اخیر شهرستان بروجن و بالاکیری تشنج در این منطقه، هواداران حزب توده ایران در بروجن، ضمن نامه‌ای به سپاه پاسداران این شهر، از آنها خواستند که:

«با حرکت‌های آگاهانه و موضع‌گیری‌های دقیق و سنجیده برای حفظ دستاوردهای انقلاب و خنثی کردن توطئه‌های آمریکای هشیار و کوشا باشند.»

در این نامه، ضمن تشریح توطئه‌های گوناگون آمریکا از جمله آمده است:

«جمهوری اسلامی نوپای ایران از هر سو در معرض خطر است. در داخل مرتجعین و قشرهای محافظه کار، همراه با عوامل ضد انقلاب و سرسپردگان به سرویس‌های جاسوسی امپریالیسم و در خارج تمام دنیای سرمایه و زر و زور، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، با هم بر ضد انقلاب ایران هم‌دستان شده‌اند. فشار منگنه امپریالیسم آمریکا بر ما از هر سو افزایش می‌یابد. تجاوز نظامی آمریکائی رژیم جنایتکار صدام، که با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، با شکست مقتضای روبرو شده است. به همین دلیل برای جبران شکست و نیل به هدف اصلی سرنگونی جمهوری اسلامی ایران - امپریالیسم آمریکا در صدد توطئه جدیدی است. این توطئه با همکاری سرمایه‌داران بزرگ، ملاکان و فئودالها، بختیارها، اویسی‌ها، خلق مسلمانها، لیبرالها، مائوئیستهای آمریکائی در داخل و ضدانقلاب جهانی و اردوگاه سرمایه، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ و ارتجاعی‌ترین کشورهای منطقه، در مرحله تکوین و اجرا است.»

رویدادهای کشور در دوران اخیر نشان می‌دهد که چگونه امپریالیسم آمریکا برای تحقق آرزوی دیرینه‌اش در سرکوب انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، به جداساختن توده‌ها از روحانیت پیرو خط امام، به ایجاد جو نفاق و تشنج و درگیری امید بسته است. همه شواهد و همچنین همه حوادث هفته‌ها و روزهای اخیر حاکی از آن است که امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش، برای زمینسازی اجرای توطئه دیگر، تاکتیک اصلی خود را در لحظه کنونی، برآنداختن اعتصابات و تحصن در محل‌های کار، ایجاد تشنج و درگیری در شهرها و روستاهای ایران قرار داده‌اند، و با این تاکتیک می‌خواهند هم جنبه داخلی انقلاب را تضعیف کنند و هم افکار عمومی مردم و مقامات مسئول و نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران را از پرداختن به خطر اصلی - توطئه براندازی آمریکا - منحرف سازند، تا طبق محاسبه خود زمان وارد آوردن ضربه نهائی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فرارسد. روشی که در برابر تاکتیک خطرناک کنونی باید در پیش گرفته شود - همانطور که Mao خنثی در روزهای اخیر تاکید کرده‌اند - حفظ آرامش و خنثی کردن توطئه و تشنج است، که گام بزرگی در جهت عقیم گذاردن توطئه در حال تکوین امپریالیسم آمریکاست.»

مسئولین سپاه پاسداران بروجن!

با توجه به شرایط حساس کنونی و وظیفه سنگینی که بردوش این ارگان است، هواداران حزب توده ایران در بروجن هشدار می‌دهند که با حرکت‌های آگاهانه و موضع‌گیری‌های دقیق و سنجیده و با جدیت تمام برای حفظ دستاوردهای انقلاب و گسترش و تعمیق آن و خنثی کردن توطئه‌های رنکارنگ امپریالیسم آمریکا هشیار و کوشا باشید و با حفظ خونسردی و کمال واقع‌بینی، برای عقیم گذاشتن توطئه درگیری‌های موجود در شهرمان، که هر روز شاهد آن هستیم (از جمله ضرب و شتم نیروهای هوادار انقلاب، پاره کردن عکس نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران، توهین به یاران صدیق امام) هشیارانه عمل کنید.

هواداران حزب توده ایران از سپاه پاسداران بروجن هشیاری و قاطعیت هرچه بیشتری را در شناسایی ضدانقلاب به هر لباس و محرکین جو ناسالم موجود را انتظار دارند. توده‌ای‌ها در راه تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ایران و گسترش انقلاب عمل خواهند کرد و در جهت افشای دسائس رنکارنگ ضدانقلاب، صمیمانه از هرگونه همکاری دریغ نخواهند ورزید.»

آنان باید با کلام و رفتار و اعمال خود پاسدار نظم انقلابی در مدارس باشند. وظیفه مسئولین نواحی آموزش و پرورش و اولیاء مدارس است که از گرایشهای انحصاری طلبانه و قشری اکیدا اجتناب ورزند و جو سالم و انقلابی بحث سیاسی و فعالیت مجاز دانش آموزان را فراهم آورند و با ایجاد هماهنگی میان نهادهای انقلابی در مدارس، به ایجاد محیط تفاهم و همکاری و همیاری میان دانش آموزان و اولیاء مدارس یاری رسانند.

با تعطیل و یا انحلال مدرسه و اخراج دانش آموزان گمراه و اخلاک‌گرا مسئله حل نمیشود. هنر مربیان و مدیران مدارس انقلابی

و طبق نقشه و برنامه صیاه عمل میکند، متوقف شده و یا تخفیف یافته است؟

اگر پاسخ همه این پرسشها منفی است، آیا معلوم نیست که ادعای قبلی مبنی بر اینکه همه این بلاها ناشی از دگرگون‌گویی بوده است، ادعای کاذبی بوده است؟

اگر پاسخ همه این پرسشها منفی است، آیا واضح نیست که آن ادعای کاذب ناشی از دشمنی نظر نسبت به امپریالیسم همار، چنانچه گمراه و غدار آمریکای بوده است. آیا آن ادعای کاذب ناشی از این «ارزیابی» نبوده است که گویا امپریالیسم آمریکا دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی نیست، بلکه گناه‌عمیلات خصمانه او، گویا بر عهده جمهوری اسلامی ایران است؟ اگر آن ادعای غرض‌آلود و کاذب نبوده است (و فقط داشته‌های در ارزیابی آمریکا، خصلت امپریالیستی آمریکا، مشی سیاسی آمریکا بوده است) پس چرا اکنون که مسئله «دگرگون‌گویی» حل شده و «دگرگون‌گویی» توجیه شده‌اند، آقایان لیبرالها حل مسئله و تحویل «دگرگون‌گویی» را تایید نمیکنند که سهل است، باز این بار فغان سر داده‌اند که چرا مسئله حل شده، چرا چنین حل شده، چرا «دگرگون‌گویی» توجیه شده‌اند؟

آیا این موضع‌گیری سیاسی و جنجال تبلیغاتی جدید لیبرالها، بروشنی نشان نمیدهد که لیبرالها، در هر صورت، می‌خواهند با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مخالفت

کمال تأسف باید گفت که برخی مسئولان نواحی آموزش و پرورش و بعضی مدیران مدارس، آسان‌ترین راه را انتخاب کرده‌اند و به محض ادامه درگیری‌ها، به تعطیل یا انحلال مدرسه اقدام نموده‌اند، که درست نیست در یکی از مدارس حتی انجمن اسلامی مدرسه دست به این اقدام زده‌است، که بیشتر نادرست است. آقای شگرف نفعی در توضیح وظایف مسئولان مدارس پدرستی میگوید:

«نتیجه دانش، عقف پخشیدن، گسترده ساختن و تعالی دادن است. بار آوردن انسان متعهد، مبتکر و خلاق.»

معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش می‌افزاید:

«برنامه وزارت آموزش و پرورش اینست که مفهوم آزادی را وسیله معلمان برای دانش آموزان توجیه کند و آنرا تقبیم صدا کردن و پیروی از يك گروه یا گروهك خاصی بدون هیچگونه آگاهی و اطلاعی نیست.»

بی تردید در برابر مسئولان آموزش و پرورش و اولیاء مدارس در ارشاد دانش آموزان گمراه، وظیفه تقویت نهادهای انقلابی در مدارس مانند شوراهای دانش آموزان، انجمن‌های اسلامی و مدارس، شوراهای هماهنگی و غیره قرار دارد. علاوه بر این، همکاری با گروههای انقلابی در مدارس به منظور مقابله با آشوب‌طلبی عناصر مخرب عاملی است که میتواند از گسترش درگیری‌ها جلوگیری کند.

جمهوری اسلامی ایران پایان یافته است؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا در کشورهای اروپای غربی، فعالیت بختیارها، نزیه‌ها، امینی‌ها، اویسی‌ها، و همه دیگر نوکران بی‌اختیار امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، علیه جمهوری اسلامی ایران متوقف شده است؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا نقشه‌های آمریکا برای تجزیه ایران، برای تشکیل «ایران آزاد»، برای ایجاد اختلافات داخلی در ایران، برای ایجاد اختلاف مذهبی (بین سنی و شیعه) در ایران، برای ایجاد انواع درگیری‌ها در ایران، باطل شده‌اند؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا فشارهای اقتصادی و فشارهای سیاسی امپریالیسم، بر سرکردگی آمریکا، بر جمهوری اسلامی برطرف شده‌اند؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا دولت‌های دست‌نشانده و دستیار آمریکا در منطقه (عمان، یمن، عربستان، پاکستان، مصر، اردن، اسرائیل، کوبا، سومالی و غیره) از خصومت خود نسبت به جمهوری اسلامی ایران دست کشیده‌اند؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا تبلیغات «امپریالیسم خبری» علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متوقف شده و یا تخفیف یافته است؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا فعالیت ضدانقلاب متشکل در داخل ایران، که بدستور آمریکا

های دموکراتیک» تشکیل داده‌اند و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، به تاسیس «کمیته مقاومت در برابر اخراج» دست زده‌اند.

بدیهی است که ما نه با نقض آزادی عقیده و بیان و بحث آزاد برای گروههای انقلابی در مدارس موافقیم و نه با اخراج دانش آموزان گمراه و اخلاک‌گرا و ریختن آنها به خیابانها. اما تشکیل چنین کمیته‌هایی از سوی گروههای مائوئیستی-امریکائی و سازمان مجاهدین خلق ایران، عملاً جز تشدید جو تشنج در مدارس نتیجه‌ای ندارد، کاری که در خارج از محیط مدارس نیز همین نتیجه را داده است.

متأسفانه عدم برخورد منطقی با اینگونه اعمال، از سوی برخی از اولیاء مدارس و پاره‌ای از انجمن‌های اسلامی، مسوجبات تشدید برخوردها و غلیظت شدن جو تشنج را فراهم کرده است. در حالیکه در آن مدارس که اولیاء آموزش و پرورش ناحیه و یا مدرسه در برابر این جو سازیها تدبیر منطقی اندیشیده‌اند، از گسترش آشوب و درگیری جلوگیری بعمل آمده و تلاشهای ضدانقلابی عقیم مانده است.

تردید نیست که راه مقابله با نقشه‌های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش در مدارس تعطیل مدارس نیست، که خواست امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب است. اخراج دانش آموزان گمراه و اخلاک‌گرا هم نیست، زیرا مدرسه وظیفه ارشاد و هدایت و پرورش فکری آنانرا برعهده دارد. پا

## باتحریکات ...

بقیه از صفحه ۱

چنان جسارت یافته‌اند که دربی تلاش برای ایجاد ترلزل در شور انقلابی دانش آموزان مومن به دست به تحریرات گوناگون میزنند. آنها در مدارس علنا به رهبران انقلاب توهین و از ضدانقلاب فراری پشتیبانی میکنند. گروهکهای خسرانکار مائوئیستی-امریکائی و لیبرالها با بهره‌برداری از گرایشهای انحصارطلبانه برخی از انجمن‌های اسلامی و بعضی اولیاء قشری مدارس، جو را متشنج میکنند. بعنوان «نقض آزادی» به تبلیغ علیه مسلمانان انقلابی به رهبری Mao خصیصی دست میزنند. در شرایطی که امپریالیسم غارتگر آمریکا جنگ و دندان خود را برای هجوم به انقلاب، تیز میکند، پجای آنکه از شور انقلابی دانش آموزان برای مبارزه با امپریالیسم استفاده شود، این گروهک‌ها با طرح شعارهای فرعی ذهن کودکان را از توجه به شعار عمده مبارزه منحرف می‌کنند و آنانرا در جنب مسائل غیر عمده گرفتار میسازند.

پجای آنکه در مدارس مثلاً کمیته‌های «کفک» به روزندگان «جیب» و یا «مبارزه با امپریالیسم» تشکیل گردد و از هوش و استعداد و ابتکار و خلاقیت میلیونها دانش آموز در این راه بهره‌برداری شود، گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی در برخی از مدارس «کمیته هماهنگی دفاع از آزادی»

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در بانه:

فئودال های غارتگر، متحدین امپریالیسم اند

حزب توده ایران سازمان بانه، با انتشار اعلامیه ای تاکید کرد که: «تشکل و اتحاد هرچه بیشتر زحمتکشان، گامی اساسی در راه حفظ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب است.»

کرد، با اقدامات سازنده و مثبت مسئولین متمهد جمهوری اسلامی آماده است که با کاروان انقلاب همراهی کند.

شکفتا که در بیخ گوش این «مدافعان زحمتکشان و این مدعیان دمکراسی» (پسه سبک صدام) طبقات وازگون شده و پیشاپیش آنها، فئودالها و بزرگ مالکان، همچنان به استثمار دهقانان ادامه میدهند.

اعلامیه شورای دهقانان «گرماب و حومه»، مورخه ۲۳/۰۹/۵۹، سند جنایات آنان و گواهی حقیقت راهی است که زحمتکشان ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته اند، یعنی تشکل و اتحاد هرچه بیشتر نیروهای انقلابی بمنظور دفاع از دستاوردهای انقلاب.

در این اعلامیه آمده است:

«زمانیکه گردستان مهرک یک جنگ خانمانسوز است، زمانی که فقر و گرسنگی و گرانی، این بیماری سرمایه داری، بیشتر بر دوش ما زحمتکشان احساسی میشود... این لاشخوران، این استثمارگران تاریخ، آنگاه از استثمار ما غافل نیستند. فقط در مدت یک ماه و نیم پیش، خلیل بگ این مهره استثمارگر و حامی امپریالیسم، بنام پوشانه (مرتع) فروشی) بالغ بر دو هزار تومان (۴۰۰۰ تومان) پول نقد و اجناس از چهار نفر دهقان «سی سارک» گرفته است. علاوه بر این:

- ۱- از عبدالله صدقی رسول مبلغ یک هزار (۱۰۰۰ تومان) و چند کیلو چائی و یک کیسه خرمای عراقی گرفته است.
۲- از مام صالح شیکه مبلغ هشتصد تومان (۸۰۰) پول نقد گرفته است.
۳- از حاجی شریف مبلغ دو بیست تومان پول نقد گرفته است.
۴- از مام قادر حاجی فرج یک کیلو چای عراقی گرفته است.
۵- مام قادر آبیست ترین کشاورز سی سارک بشمار می آید. آری، این بیحق مشت محکمی بردهان

بیروزیاد مبارزات دهقانان و زحمتکشان در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب شکوهمند خلقهای ایران و در راه بدست آوردن استقلال، آزادی، زمین و ترقی اجتماعی در چارچوب تمامیت مبین عزیزان ایران!

مرکز امپریالیسم جهانی، بزرگترین امپریالیسم آمریکایی است.

شوخی نیست...!

فریدون تنکابنی

«موجود شناسی»

لیبرال «موجودی» است از تیره «گره سانان» ظاهرا بی آزار، اما در حقیقت بسیار موزی و خطرناک، که چنگال تیز خود را در پنجه های نرم پنهان می کند و هر وقت لازم بداند، بیرون می آورد.

مردم به آن «گره مرعسی علی» هم می گویند که از هر طرف بیفتد، چهار دست و پا به زمین می آید و آسیبی نمی بیند. خود را سر هر سفره ای جا می کند، اما حق نان و نمک سرش نمی شود و نمک گیر نمی گردد.

نام دیگر او «گره زده» است. چوب را که بردارند، فرار می کند، اما آبها که از آسیاب افتاد، دوباره سر و کله اش پیدا می شود.

در پاسخ این سؤال که بیچه می آورد یا تخم می گذارد، «موجود» شناسان عقیده دارند که از این «موجود» موزی، هر چه بگویی برمی آید، البته بیشتر در جاسوسخانه عمو سام تخم می گذارد و از بیچه هایش مواظبت می کند.

بعد از انقلاب مدتی در دیزی باز ماند، این گره به با بی حیایی تمام، دست کرد و تکه گوشت های درشتی برداشت. اما وقتی که دانشجویان مسلمان جاسوسخانه را گرفتند، حسابی آواره و دردهر و آلاخون والاخون شد. از وقتی که دستش دیگر به گوشت نمی رسد، می گوید: بیف بیف، بو می دهد!

خواجeh حافظ شیرازی، خطاب به نا آگاهانی که سر خود را مثل کبک زیر پرف می کنند و فریب ظاهر این «موجود» را می خورند، می فرماید:

ای کبک خوش خرام کجا می روی، بایست، غره مشو که گربه زاهد نماز کرد.

به همین جهت است که می گویند فریب مظلوم نمایی او را نباید خورد که گفته اند:

گره مسکین اگر پر داشتی تخم گنجشک از زمین برداشتی و نیز گفته اند:

لیبرال از قدرتی می داشتی انقلاهی در جهان نگذاشتی

ماتولیست «موجودی» است دست آموز که دعو مائو، آنها تربیت کرد و هنگامی که دوست جان چانی اش نیکسون به دیدنش رفت، این جانور را به رسم دوستی به او هدیه داد.

حالا این جانور گر چه نام از دعو مائو دارد، فی الواقع در خدمت دعو سام است و قلابه او را بر گردن دارد و زنجیرش به دست اوست. برای همین است که همیشه پر و پاچه بند خواهان عمو سام را می گیرد.

سه جهانی «موجودی» است که به هر دو «ابر قدرت» پارس می کند، اما فقط یکی از آنها را گاز می گیرد. در برابر اروپاییان غربی و ژاپنی ها بسیار رام و دست آموز می شود و هر خمستوری که می دهند، یا تیزهوشی غریزی خاص خود فوراً می فهمد و بیدرتک اجرا می کند. بنابراین صومام اگر بخواید که این «موجود»، کاری برایش انجام دهد، به دوستان اروپای غربی و ژاپنی خود متوسل میشود.

«رتجیر» «موجودی» است که عمو سام او را تربیت کرد و با خود به ایران آورد. و حالا چون آرزایش او را گذاشته و رفته، خیلی ناراحت است و از این دوری غصه می خورد و رنج می برد. و به همین علت هم هار و وحشی شده و پروپاچه هر کس را که دم دستش باشد، می گیرد.

با «روسیه» دشمنی و کینه عجیبی دارد، زیرا خیال می کند که فرار آرزایش زیر سر اوست.

گرچه برای هر کس که تمک استخوانی به سوی او بیندازد، حتی اگر ضیاعالحق باشد، دم تکان می دهد، اما عقده «خوداریاب کم بینی» اش علاج نمی شود.

تروسکیست «موجودی» است کیمباب و در حال انقراض، که سازمان حفاظت محیط زیست آمریکا، برای جلوگیری از نابودی فصل این «موجود» آنها پرورش می دهد و به رایگان در اختیار مشتاقان می گذارد.

جمهوری دمکراتیک خلق یمن و اتیوپی حضور نظامی آمریکا

دراقیانوس هند و خلیج فارس را محکوم کردند

کشور حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس را محکوم کردند. دو کشور تاکید کردند که این تحریکات خطر علیه خلق های منطقه را افزایش میدهد. در این اعلامیه تسلط محکوم آمریکا بر حق خلقها برای آزادی با «قرورسیم» محکوم شده است.

در پایان دیدار «علی ناصر محمده» نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن از اتیوپی، بیانیه مشترکی از سوی دو کشور منتشر شد. در این اعلامیه، دو

الوارو کونیال، رهبر حزب کمونیست پرتغال، ما خواستار تشکیل یک دولت دمکراتیک در پرتغال هستیم

پلنوم مرکزی حزب کمونیست پرتغال برای بررسی اوضاع کشور تشکیل شد. در پایان این اجلاس، آلوارو کونیال، رهبر حزب کمونیست پرتغال، درباره سیاست های دولت پرتغال گفت: «اتلاف حاکم در پی شکست در انتخابات ریاست جمهوری، کماکان سیاست دولت ساکارتیرو را تعقیب می کند. هدف این سیاست افزایش بهره کشی از توده ها، تهاجم به بخش ملی شده اقتصاد و دستاوردهای اصلاحات ارضی و تحت فشار قرار دادن رسانه های گروهی و نهادهای دمکراتیک است.»

«با این سیاست باید قاطعانه مقابله شود. وی یادآور شد که با توجه به این واقعیت که در جریان انتخابات ریاست جمهوری روشن شد که ائتلاف حاکم حمایت رای دهنندگان را از دست داده است، احزاب کمونیست خواستار استعفاى دولت ائتلافی و تشکیل یک دولت دمکراتیک است. کونیال گفت: «اوضاع و احوال ممکن است ایجاب کند که انتخابات پارلمانی بزودی تجدید شود. حزب کمونیست پرتغال عقیده دارد که دمکراتیزه شدن اوضاع در کشور، تنها براساس تقابله متقابل همه نیروهای دمکراتیک و در درجه اول احزاب کمونیست و سوسیالیست امکان پذیر است.»

کونیال درباره تغییر احتمالی قانون اساسی گفت: «مخالف راستگرا درصدد تغییر قانون اساسی اند، تا دستاوردهای انقلاب را نابود کنند، مواضع خود را تحکیم بخشند و سرانجام نظام موجود را نابود کنند.»

کونیال تاکید کرد: «حزب کمونیست با هر گونه تغییر در مواد قانون اساسی مخالف است و پیشنهادهای خود را در پارلمان مطرح می کند.»

مخالفت مردم پاکستان با حضور ضدانقلابیون افغانی در این کشور افزایش می یابد

گزارشهای رسیده از پاکستان نشان می دهد که مخالفت مردم با فعالیت های باصطلاح «مبارزان افغانی» در آن کشور، روز بروز افزایش می یابد. مردم پاکستان، بویژه در مناطقی که اردوگاه های نظامی این باصطلاح «مبارزان» در آنجا قرار دارد، از جنایات و قتل و غارت های ضدانقلابیون افغانی بجان آمده اند. بنا به همین گزارشها، در ایالت سرحد شمالی، مردم از مقامات محلی برای مقابله با این ضدانقلابیون تقاضای کمک کرده اند. حتی روزنامه های پاکستانی، که تحت سانسور شدید رژیم دست نشانده ضیاعالحق قرار دارند، مطالبی در این مورد درج می کنند.

از سوی دیگر، احزاب سیاسی پاکستان باز دیگر خواستار برقراری روابط حسن همجواری با افغانستان شدند. احزاب سیاسی پاکستان تاکید کردند که تبدیل پاکستان به پایگاه توطئه علیه افغانستان، یا منافع ملی پاکستان مغایرت دارد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM No. 449 21. February 1981

Table with 2 columns: Country and Price. Includes West-Germany (0.80 DM), France (2 Fr.), Austria (8 Sch.), England (20 P.), Belgium (10 Fr.), Italy (350 L.), U.S.A. (40 Cts), Sweden (1.50 Skr).

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱ منطقه پستی تهران